

ایران حسین ^و ^ع علیهما السلام

تا باید پیروز است

۲

کتابچه سخنرانی

ویژه هیئات نوجوانی



دهه اول محرم الحرام ۱۴۰۴

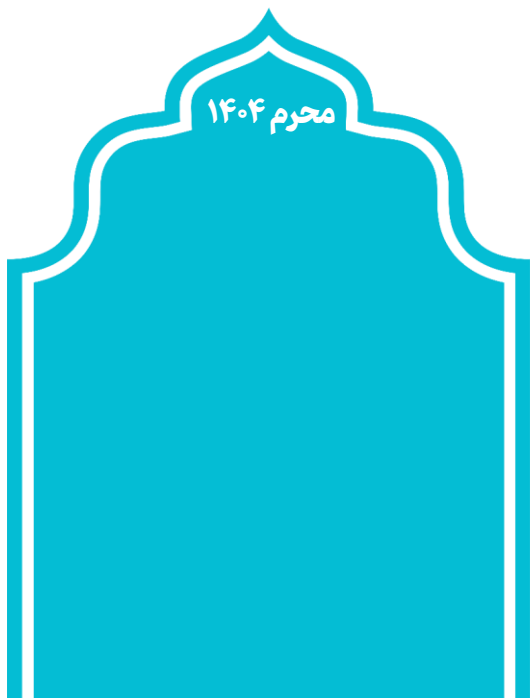




کتابچه سخنرانی

ویژه هیئات نوجوانی

محرم ۱۴۰۴





ایران حسین علیہ السلام

تا بدین پیروز





مقدمه



با فرارسیدن ماه محرم و موسم احیای فرهنگ ایثار و آزادگی، بار دیگر فرصت مغتنمی فراهم آمده تا نوجوانان کشورمان، پیام عاشورا را در متن زندگی خود جاری سازند. بنیاد ملی نوجوان، با بهره‌گیری از ظرفیت شبکه مدارس، راهبران جهادی، تشکل‌های دخترانه و پسرانه، سرشبکه‌های فعال و مدیران قرارگاه‌های نوجوانی سراسر کشور، امسال نیز هم‌گام با طرح ملی «زندگی با آیه‌ها» و با محوریت شعار محرم (ایران حسین علیه السلام)، مجموعه‌ای نوآورانه و هدفمند را برای هیئت‌های نوجوانانه تدارک دیده است.

در این مسیر، چهار رویکرد اساسی دنبال می‌شود:

- نخست، ارائه **طرح راهبری هیئت‌های نوجوانی** با هدف ارتقای نقش‌آفرینی و کنشگری بیشتر نوجوانان. این طرح با آموزش و حمایت، نوجوانان را در اداره، برنامه‌ریزی و رشد میدانی توانمند می‌کند.
- دوم، اجرای کارویژه **خیمه لبیک** برای تقویت کنشگری نوجوانان حسینی و تربیت سفیران فرهنگ عزاداری، که نوجوانان را به مشارکت فعال و اثرگذاری در بستر اجتماع دعوت می‌کند.
- سوم، تولید و ارائه **کتابچه سخنرانی** (ویژه نوجوانان)، متناسب با آیات طرح «زندگی با آیه‌ها» و شعار محرم امسال (ایران حسین علیه السلام)، تا ابد پیروز است)، تا پیام عاشورا به زبان ساده و جذاب به نوجوانان منتقل شود تا نوجوانانی عاشورایی تربیت شوند.
- چهارم، برگزاری **مهرواره محرم** ویژه ارائه کنشگری نوجوانان و نشر آثار آن‌ها در قالب‌هایی مانند نمایش، رادیو محرم، نویسنده مقاومت و رجزخوانی، که بستری برای بروز استعدادها و ترویج فرهنگ عاشورایی و حماسی را فراهم می‌آورد.

امید است این مجموعه، زمینه‌ساز تعمیق فرهنگ عاشورایی و حماسی، رشد مسئولیت‌پذیری و تقویت هویت حسینی در میان نوجوانان ایران اسلامی باشد و گامی مؤثر در جهت تربیت نسلی آگاه، پویا و متعهد بردارد.

محرم ۱۴۰۴ شمسی

معاونت پسران نوجوان - حسین آقاجانی



برای مشاهده این طرح‌نامه‌ها می‌توانید به کتابخانه بنیاد ملی نوجوان به نشانی:

<https://bonyad-nojavan.ir/product-category/library/>

مراجعه بفرمایید.

محور های کلیدی دهه اول محرم



شب	موضوع سخنرانی	شرح کوتاهی از موضوع	آیه محوری	تطبیق با داستان تاریخی	تطبیق با شهدا و شخصیت های معاصر
اول	نگاهت رو درست کن، امام حسین پیروز شده	ایمان و مقاومت، برتری حقیقی مؤمنان حتی در سختی ها و شکست ظاهری؛ پیروزی واقعی در ایمان و استقامت	آل عمران ۱۳۹: ﴿وَلَا تَهْوَِلُوا لِتَحْزِنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ﴾	عبدالله بن حذافه در اسارت روم	شهید مهدی باکری، شهید جمران، شهید بهشتی
دوم	مقاومت عاشورا؛ پیروزی در کوتاه مدت و جاودانگی در تاریخ	معنای مقاومت در برابر ظلم و مشکلات؛ پیروزی های کوتاه مدت و بلند مدت قیام امام حسین (ع)؛ اثر عاشورا بر بیداری و عدالت خواهی در تاریخ	حدید ۲۵: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾	نافع بن هلال بجلي، یاران امام حسین (ع)	شهید سید مرتضی آوینی
سوم	عقلانیت مقاومت؛ پیروزی با ایمان و اراده	اهمیت ایمان، صبر و عقلانیت در پیروزی گروه های اندک بر گروه های بزرگ؛ درس های طلوع و جالوت؛ قیام امام حسین (ع) با گروهی اندک؛ مقاومت تنها جنگیدن با سلاح نیست بلکه ایستادن بر اصول و حفظ ایمان است	بقرة ۲۴۹: ﴿كَمْ مِّنْ قَبِيلَةٍ غَلَبَتْ قَبِيلَةً وَكُتِبَتْ لَهُنَّ الْكُتُبُ﴾	داستان طلوع و جالوت؛ قیام امام حسین (ع)	شهید سید عباس موسوی، شهید حبیبی سنوار
چهارم	تربیت نسلی مقاوم و هویتی عزتمند	عزت واقعی در ایمان، مقاومت و استقلال است نه در جلب رضایت دشمنان یا قدرت ظاهری؛ اهمیت تربیت نسلی که بر اصول ایمان و مقاومت استوار باشد	نساء ۱۳۸-۱۳۹: ﴿يَتَّبِعُونَ عِزَّةَ اللَّهِ الْوَثِقَةَ فَإِنَّ الْوَعْدَ لِلَّهِ حَمِيمٌ﴾	هجرت پیامبر (ص) به مدینه؛ جنگ بدر؛ جنگ صفین؛ قیام امام حسین (ع)	شهید آرمان علویردی، شهید بهنام محمدی، شهید مهرداد عزیزالاهی
پنجم	عاشورا؛ سذ استوار در برابر انحرافات تاریخ	اهمیت ایستادگی در برابر انحرافات دینی و فرهنگی؛ نقش قیام عاشورا در حفظ اصول اسلام و مقابله با تحریف ها	بقرة ۱۲۰: ﴿وَلَنُكْفِيَنَّكَ اللَّهُ الْحَنُوفَ وَمَا أَلَمْنَا لَدَى الْفِتْنَةِ يَوْمَ الْحُنُوفِ﴾	تحریفات دوران خلفا و بنی امیه؛ قیام عاشورا؛ کشف حجاب رضاخان و مقاومت روحانیون	شهید مطهری، شهید باهنر، شهید علی خلیلی، شهید حمیدرضا الداعی
ششم	شکست پروژه جنگ روانی دشمن	اهمیت ایستادگی در برابر جنگ روانی و ترس آفرینی دشمن	آل عمران ۱۷۵: ﴿إِنَّمَا ذَلِكَ الشَّيْطَانُ يَخَوِّفُ أَوْلِيَائِهِ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا اللَّهَ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾	جنگ روانی کومله و ضد انقلاب در کردستان؛ آزادسازی سنج	شهید محمد بروجرودی، شهید ناهید فاتحی، شهید ایرج نصرت زاد
هفتم	بی اعتمادی عاقلانه (نقد منطق سازش)	ضرورت بی اعتمادی عاقلانه به دشمن؛ عبرت از خیانت ها و بدعهدی های تاریخی؛ پرهیز از ساده لوحی و اعتماد بی پایه؛ اهمیت عقلانیت در اعتماد به دیگران و عدم فریب وعده های دشمنان	توبه ۱۲: ﴿فَقَاتِلُوا آلَ ابْنِ مَرْثَدَةَ الْغُرَّةِ إِنَّهُمْ لَا يَمَانُ لَهُمْ﴾	خیانت عبدالله بن عباس؛ عهد شکنی عمر بن سعد؛ شکست مختار	اسارت بیست و سه نفر نوجوان ایرانی به دست صدام
هشتم	عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد	نقشه های دشمنان با اراده خداوند به خیر و رشد مؤمنان تبدیل می شود	آل عمران ۵۴: ﴿وَمَكَرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَبِيرٌ الْعَاكِرِينَ﴾	داستان حضرت یوسف (ع)؛ هجرت پیامبر (ص)؛ عملیات پنجه عقاب	شهادی صنعت هسته ای، شهادی صنعت نظامی و شهادی صنعت تولید دارو و درمان و
نهم	استقامت رمز پیروزی	اهمیت استقامت و پایداری در مسیر حق؛ نمونه های تاریخی و معاصر از مقاومت در برابر سختی ها و مشکلات	جن ۱۶: ﴿وَأُولُوا اسْتِقامَةِ الْغُرُفَةِ لَا سَبِيلَ لَهُمْ مَاءٌ عَذَقُوا﴾	استقامت پیامبر (ص)، امام حسین (ع)، حضرت یوسف (ع)، حضرت ایوب (ع)	شهید حسن طهرانی مقدم، دکتر محمود حسینی
دهم	پیام امیدبخش شهدا	امید و آرامش شهدا در سخت ترین شرایط؛ زندگی و شهادت شهید محسن حججی؛ روحیه و نشاط رزمندگان و اصحاب امام حسین (ع) در شب عاشورا؛ اهمیت حفظ ایمان و امید در برابر مشکلات	آل عمران ۱۶۹-۱۷۰: ﴿وَلَا تَحْزِنُوا فِي الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَعْلَانِ﴾	اصحاب امام حسین (ع) در شب عاشورا	شهید محسن حججی، آیت الله رئیسی
یازدهم	قیام امروز، پیشوایی فردا	وعده خداوند به ضعیفان که با ایمان و استقامت، رهبران و وارثان زمین خواهند شد؛ نمونه های تاریخی و معاصر از پیشوایی و مقاومت	قصص ۵: ﴿وَتَرْبِئُنَّ بِطَنَ عَلِيِّ بْنِ الْأَرْثَرِ الْمُثَنَّى فِي الْأَرْضِ وَمِنْهُمْ أَبُو سَرْحٍ وَمِنْهُمْ الْأَرْثَرُ﴾	حضرت یعقوب و یوسف (ع)؛ قیام امام حسین (ع)؛ قیام راکه نصرت	سردار علی هاشمی، سردار حاج قاسم سلیمانی
دوازدهم	وظیفه ما چیست؟	تهدیدات دشمن و لزوم آمادگی همه جانبه؛ ایعاد قدرت و آمادگی	انفال ۶۰: ﴿وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ﴾	مقاومت مردم پوشهر؛ تلاش امام سجاد و امام باقر (ع) برای مقابله با انحرافات و روشنگری	شهید علم الهدی



- شب اول: "نگاهت رو درست کن، امام حسین علیه السلام پیروز شده"..... ۱۰
- شب دوم: "مقاومت عاشورا: پیروزی در کوتاه مدت و جاودانگی در تاریخ"..... ۱۶
- شب سوم: "عقلانیت مقاومت: پیروزی با ایمان و اراده"..... ۲۲
- شب چهارم: "تربیت نسلی مقاوم و هویتی عزتمند"..... ۲۸
- شب پنجم: "عاشورا: سدّ استوار در برابر انحرافات تاریخ"..... ۳۴
- شب ششم: "شکست پرورده جنگ روانی دشمن"..... ۴۰
- شب هفتم: "بی اعتمادی عاقلانه (نقد منطق سازش)"..... ۴۶
- شب هشتم: "عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد"..... ۵۲
- شب نهم: "استقامت رمز پیروزی"..... ۵۸
- شب دهم: "پیام امید بخش شهدا"..... ۶۴
- شب یازدهم: "قیام امروز، پیشوایی فردا"..... ۷۰
- شب دوازدهم: "وظیفه ما چیست؟"..... ۷۶

شب اول

"نگاهت رو درست کن، امام حسین (علیه السلام) پیروز شده"

وَلَا تَهْنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمْ
أَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

«هرگز سست و ناتوان نشوید
و اندوهگین مباشید، شما برتری
دارید اگر مؤمن باشید»

آل عمران ۱۳۹-۱۴۰

طلیحه (مناجات با امام زمان عجل الله تعالی فرجه)

به باران زلال چشم هایم اقتدا کردم
دورکعت درد دل از دوری ات پیش خدا کردم
تمام شب برای نرگس چشمت دعا کردم
نوا ی ندبه سر دادم به عهد خود وفا کردم
شنیدم بوی تربت را هوای کربلا کردم
بساط روضه مشک و علم را دست و پا کردم

شبی ابری شدم سجاده را با بغض وا کردم
دورکعت اشک باریدم دورکعت ناله سر دادم
تمام شب نگاهم خیره بر گلدان خالی بود
هواروشن شد و من در هوای دیدن رویت
سرم بر روی سجده. مُهر خیس از اشک هایم شد
به شوق اینکه هر جا صحبت سقااست می آیی

مقدمه چینی (ایجاد انگیزه)



آیه محوری این شب، گویای پیامی بزرگ برای همه ماست:

﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾

یعنی هرگز سست نشوید و غمگین نباشید، شما برتر هستید اگر مؤمن باشید.

تا حالا شده حس کنی همه چیز داره سخت می‌گذره؟

شاید توی مدرسه، وقتی نمره‌ای که می‌خواستی رو نگرفتی، یا توی جمع دوستان، یا حتی وقتی توی اینستاگرام و شبکه‌های اجتماعی می‌بینی همه ظاهراً از تو جلوترن... وقتی احساس می‌کنیم دنیا به ما سخت می‌گیرد، وقتی نمره‌ای که انتظارش را داریم نمی‌گیریم، وقتی دوستانمان ما را درک نمی‌کنند، یا وقتی در شبکه‌های اجتماعی حس می‌کنیم همه از ما جلوترند، این آیه به ما گوشزد می‌کند: هرگز سست نشوید، هرگز غمگین نشوید، شما برتر هستید اگر ایمان داشته باشید.

بسط محتوا با محوریت آیه



امام حسین علیه السلام در روز عاشورا، این آیه را در عمل به نمایش گذاشت. او وقتی در برابر دشمنان بسیار قرار گرفت، هرگز سست نشد و غمگین نگشت. او با ایمان راسخ خود، به همه نشان داد که پیروزی واقعی، در ایستادگی و مقاومت است. حتی اگر در ظاهر شکست بخوریم، اگر در مسیر حق بایستیم، ما برتر هستیم. این همان پیام آیه است که هر بار در دل‌های ما زنده می‌شود.

این برتری، فقط به معنای برنده شدن در مسابقه یا امتحان نیست. برتری واقعی، مقاومت در برابر مشکلات، ترس‌ها و وسوسه‌هاست. وقتی همه می‌گویند «نمی‌شود»، تو بگو «می‌شود!» وقتی همه ناامیدند، تو همچنان امید داشته باش. وقتی خسته‌ای و می‌خواهی دست از تلاش بکشی، به یاد این آیه بیفت که می‌گوید: شما برتر هستید اگر ایمان داشته باشید. حتی وقتی همه چیز ظاهراً علیه توست، باز هم می‌توانی پیروز باشی، اگر ایمان داشته باشی. این پیام فقط مخصوص عاشورا نیست، در تاریخ اسلام، بارها و بارها تکرار شده است. در این چند روز که در مقابل حمله وحشیانه رژیم صهیونیستی قرار داشتیم، این آیه را زیاد شنیدید.

شخصیت‌های متناسب با موضوع



یکی از این نمونه‌ها، داستان عبدالله بن حذافه است؛ جوانی از یاران پیامبر ﷺ که در یکی از جنگ‌ها اسیر رومی‌ها شد. پادشاه روم او را به قصرش آورد و گفت: «اگر دینت را عوض کنی و مسیحی شوی، تو را آزاد می‌کنم و حتی به تو مقام و ثروت می‌دهم!» عبدالله با ایمان و شجاعت جواب داد: «اگر تمام دنیا را هم به من بدهی، حتی یک لحظه از دینم دست نمی‌کشم!»

پادشاه دستور داد عبدالله را شکنجه کنند، حتی تهدید به مرگش کرد، اما عبدالله نه سست شد و نه غمگین. سرانجام پادشاه روم که از این همه استقامت تعجب کرده بود، او را آزاد کرد و گفت: «ای کاش همه یاران محمد مثل تو بودند!» عبدالله وقتی به مدینه برگشت، پیامبر ﷺ پیشانی او را بوسید و فرمود: «ای عبدالله! تو عزت اسلام را نشان دادی.» این یعنی ایمان، انسان را در هر شرایطی برتر و پیروز می‌کند؛ حتی اگر همه دنیا علیه او باشند. درست همان پیامی که آیه قرآن به ما می‌گوید: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ».

حالا بیایید سری هم به دوران معاصر خودمان بزنیم. خیلی‌ها فکر می‌کنند این حرف‌ها فقط برای گذشته است، اما نه! همین چند دهه پیش، در دفاع مقدس، جوان‌هایی بودند که دقیقاً همین آیه را زندگی کردند. اتفاقاً برای امروز ماست.

یکی از آن‌ها شهید مهدی باکری بود. در یکی از عملیات‌ها، شرایط خیلی سخت شد. نیروها خسته و ناامید بودند، دشمن هم از همه طرف حمله می‌کرد. بعضی‌ها فکر می‌کردند دیگر کار تمام است. اما مهدی باکری آمد وسط جمع و با صدای بلند گفت: «ما برای خدا می‌جنگیم، نه برای پیروزی ظاهری! هرگز سست نشوید، هرگز غمگین نباشید! خدا با ماست.»

این روحیه، باعث شد همه بچه‌ها دوباره جان بگیرند و مقاومت کنند. حتی اگر نتیجه ظاهری به دست نیاید، کسی که ایمان دارد، همیشه برتر است. این همان پیامی است که خدا به ما داده:

«وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»

حالا فکر کن اگر تو جای عبدالله یا شهید باکری بودی، چه می کردی؟ آیا ما هم در زندگی مان، وقتی با سختی روبه رو می شویم، می توانیم این طور محکم و بالیمان باشیم؟

این آیه، در زندگی بزرگانی چون آقا مصطفی نیز تجلی یافت. او، دانشمند بزرگی بود که می توانست زندگی راحتی داشته باشد، اما وقتی انقلاب شد، همه چیز را رها کرد و به ایران برگشت. او در جبهه های جنگ، با وجود خطرات بسیار، هرگز سست نشد و غمگین نگشت. آقا مصطفی چمران به هم رزم هایش می گفت: هرگز ناامید نشوید، شما برتر هستید اگر ایمان داشته باشید.

در وصیت نامه اش نوشت: «خوشحالم که به سوی سرنوشتی می روم که سال ها آرزوی آن را داشته ام. خوشحالم که از عالم و ما فیها بریده ام. همه چیز را ترک گفته ام، علایق را زیر پا گذاشته ام، قید و بندها را پاره کرده ام، دنیا و ما فیها را سه طلاقه گفته ام و با آغوش باز به استقبال شهادت می روم. همه زیبایی ها، همه خوبی ها، همه لذت ها، همه چیزهایی که انسان بدان می بالد، همه را ترک گفته ام و با آغوش باز به استقبال شهادت می روم»..... «ای انسان ها، ای برادران و خواهران، ای مردم آزاده جهان! من از شما می خواهم که همچون کوه استوار و همچون موج خروشان باشید، از مرگ نهراسید، از تهدید و ارباب دشمن نترسید، به حق و حقیقت ایمان داشته باشید و برای آن بجنگید و جان دهید. زندگی، عقیده و جهاد در راه آن است».

شهید بهشتی نیز یکی دیگر از الگوهای مقاومت است. او که دانشمند دینی و حقوقدان بزرگی بود، هرگز از حرف حقش کوتاه نیامد. حتی وقتی دشمنان تهدیدش می کردند، باز هم در برابر ظلم ایستاد. او به همه یاد داد که حتی اگر تنها باشی، اگر بر سر اصولت بایستی، پیروز هستی. در سال های آغازین انقلاب با چالش ها و سختی های فراوانی روبه رو بود. او در شرایطی مسئولیت های کلیدی را پذیرفت که کشور با بحران های بزرگی مانند اختلاف گروه ها، تهدید جریان های سازشکار، فشارهای سیاسی و حتی ترور شخصیت روبه رو بود. برخی گروه ها تلاش می کردند با سازش با قدرت های بزرگ، انقلاب را از مسیر اصیل خود منحرف کنند و استقلال سیاسی ایران را به خطر بیندازند. این شهید والا مقام با روشننگری، سخنانی های افشاگرانه و سامان دهی تشکیلاتی، مردم و نیروهای انقلاب را نسبت به این خطرها آگاه می کرد و همگان را به وحدت و ایستادگی دعوت می نمود.

از سوی دیگر، سازمان های مخالف و گروه های مسلح مانند منافقین، با اقدامات خشونت آمیز و ترور، فضای ناامنی و تشنج ایجاد کرده بودند. شهید بهشتی با وجود این تهدیدها، با صبر و استقامت، مسئولیت های سنگین را بر عهده گرفت و حتی در برابر سیل تهمت ها و تخریب ها، هیچ گاه از مسیر حق و دفاع از انقلاب عقب نشینی نکرد. او بارها هدف ترور شخصیت قرار گرفت و با وجود فشارهای بسیار، همواره با آرامش، منطق و اخلاق اسلامی پاسخ می داد و در برابر مخالفان، قاطع و در عین حال مهربان بود.

در تاریخ اسلام و ایران، افراد زیادی بوده‌اند که این آیه را در زندگی خود تجربه کرده‌اند. حضرت زینب (علیها السلام) بعد از عاشورا، در سخت‌ترین شرایط، پیام امام حسین (علیه السلام) را به همه رساند. دانشمندان جوانی که با وجود همه محدودیت‌ها، به علم و دانش ادامه دادند و به موفقیت‌های بزرگی رسیدند. این‌ها همه نشان می‌دهد که پیروزی واقعی، در ایستادگی و مقاومت است و این همان پیام آیه محوری است.

مقاومت کردن، همیشه سخت است. گاهی ترس از شکست، گاهی فشار دوستان، گاهی ناامیدی و خستگی، ما را از ادامه راه بازمی‌دارد. اما همه الگوهای بزرگ مقاومت، این سختی‌ها را تجربه کرده‌اند. امام حسین (علیه السلام)، عبدالله بن حذافه، آقا مهدی باکری، شهید چمران، شهید بهشتی و خیلی‌های دیگر، همه با ترس و ناامیدی روبرو شدند، اما تسلیم نشدند. آن‌ها به یاد آیه محوری افتادند که می‌گوید: هرگز سست نشوید و غمگین نباشید. حالا سوال اینجاست: ما چطور می‌توانیم در زندگی مقاومت کنیم؟ خصوصاً در این جنگی بکه با اسرائیل و امریکا قرار داریم. برای خودمان هدف‌های کوچک و بزرگی تعیین کنیم، حتی اگر بار اول موفق نشدیم، دوباره تلاش کنیم، از دوستان خوب و خانواده کمک بگیریم، هر شکست را یک درس بدانیم، نه یک پایان، و به خدا توکل کنیم و بدانیم که او همیشه همراه ماست. این همان راهی است که آیه محوری به ما نشان می‌دهد.

امروز دنیا پر از چالش است، شما نوجوانان توی این ایام آن را خوب حس کردید. اما همه دانستیم که اگر ایستادگی کنیم، همیشه برتر هستیم، اگر ایمان و پشتکار داشته باشیم. سست نشویم، غمگین نشویم، برتر هستیم! امام حسین (علیه السلام) به ما یاد داد که پیروزی واقعی، در ایستادگی و مقاومت است. پس نگاهتان را درست کنید، چون امام حسین پیروز شده است... و ایران حسین (علیه السلام) هم تا ابد پیروز است!

گریز روضه

و اما اکنون که از مقاومت و پیروزی سخن گفتیم و بارها به یاد آیه محوری افتادیم، به یاد آن شب‌های محرم می‌افتیم که خانه‌ها و هیئت‌هایی پر از یاد امام حسین (علیه السلام) می‌شود. شب اول محرم، سرآغاز عزاداری‌هاست، زمانی که دل‌ها برای امام غریب‌مان به درد می‌آید و اشک‌ها برای یاد آن شهیدان جاری می‌شود.

امشب، هیئت‌های ما با روضه‌های زیبای خود، یاد و خاطره ورود ماه محرم و شهادت حضرت مسلم (علیه السلام) را زنده می‌کنند. یادمان باشد که حضرت مسلم، سفیر امام حسین (علیه السلام) در کوفه بود؛ او که با ایمان و وفاداری، تا آخرین لحظه بر سر پیمان خود ایستاد و با شهادت خود، درس‌های بزرگی از مقاومت و وفا به ما آموخت.

امشب، وقتی اشک بر چهره‌هایمان می‌چکد، به یاد بیاوریم که این اشک، نشانه عشق ما به امام حسین (علیه السلام) و همراهانش است. این اشک، یادآور مقاومت و وفاداری است. این اشک، پیوند ما با آن شهیدان و الگوهای بزرگ تاریخ است. پس بیایید امشب، با دلی پر از عشق و ایمان، روضه بخوانیم و یاد حضرت مسلم (علیه السلام) و همه شهیدان کربلا را زنده نگه داریم. بیایید با اشک‌هایمان، درس مقاومت و ایستادگی را تکرار کنیم و پیمان ببندیم که هرگز تسلیم نشویم و همیشه در راه حق بایستیم.

اَلْسَّلَامُ عَلَیْکَ يَا اَبَاعَبْدَ اللّٰهِ وَ عَلَی الْاَزْوَاجِ الَّتِی حَلَّتْ بِفِنَائِکَ.....

نکات تکمیلی شما



.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

شب دوم

"مقاومت عاشورا: پیروزی در کوتاه مدت و جاودانگی در تاریخ"

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَ
أَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ
لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾

«همانا ما پیامبران خود را با دلایل
روشن فرستادیم و همراه آنان کتاب و
میزان (معیار عدالت) نازل کردیم تا
مردم به عدالت قیام کنند»

حدید ۲۵

طلیحه (مناجات با امام زمان عجل الله تعالی فرجه)

این سرِ شب زده، ای کاش به سامان برسد
دست این سائل بیچاره به دست نرسید
حال آن تشنه که با یاد تو سیراب شود
کاش با دیدن تو جان بدهم آقاجان
سببی ساز که در شام غریبان برسد
پیکرم تا حرم ساقی عطشان برسد
گر مقدر شده، آید به سراغم اجلم
و پس از مرگ بیا جانِ عمو لطفی کن

مقدمه چینی (ایجاد انگیزه)



تا حالا شده وقتی با به مشکل خیلی سخت روبرو شدی، دلت بخواد تسلیم بشی؟ وقتی همه چیز به نظر خراب و بی‌راه می‌آد، وقتی احساس می‌کنی هیچ راهی برای بهتر شدن نیست، شاید وسوسه بشی که دست از تلاش برداری. اما اینجا یک سوال مهم پیش می‌آد: آیا واقعاً تسلیم شدن راه حل است؟ یا اینکه می‌تونی مثل قهرمانان بزرگ تاریخ، ایستادگی کنی و با مقاومت، راهی برای عبور از سختی‌ها پیدا کنی؟ مقاومت یعنی وقتی همه می‌گن نمی‌شه، تو بگی می‌شه! یعنی وقتی همه ناامیدند، تو امید داشته باشی. مقاومت یعنی حتی وقتی شکست می‌خوری، دوباره بلند شی و ادامه بدی.

در زندگی هر انسان، لحظاتی وجود دارد که در آن به دوراهی‌های سخت می‌رسی. در آن لحظات، تصمیم‌گیری‌ها به راستی سرنوشت‌ساز می‌شوند. گاهی در برابر مشکلاتی قرار می‌گیریم که به نظر غیرقابل حل می‌آیند. اینجا است که باید پرسش کنیم: آیا در برابر فشارها و ظلم‌ها تسلیم خواهیم شد یا همچنان مقاومت می‌کنیم؟ مقاومت فقط به معنای ایستادگی فیزیکی در برابر دشمنان نیست. بسیاری از وقت‌ها، آنچه که به عنوان "مقاومت" به حساب می‌آید، در درون خود ماست. هنگامی که در برابر بی‌عدالتی‌ها و فسادها سکوت نمی‌کنیم و به صدای حق می‌پیوندیم، این همان مقاومت حقیقی است. امام حسین علیه السلام با قیام عاشورا، نه تنها در آن لحظه در میدان نبرد ایستاد، بلکه پس از گذشت قرن‌ها، پیام ایستادگی در برابر ظلم و فساد را به نسل‌های بعدی منتقل کرد.

در این شب، می‌خواهیم درباره پیروزی‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت مقاومت امام حسین علیه السلام صحبت کنیم؛ پیروزی‌هایی که از دل قیام عاشورا بیرون آمد و چگونه این مقاومت نه تنها در آن روز بلکه برای قرن‌ها الهام‌بخش مردم و مبارزان بوده است. آیا این مقاومت فقط در آن روز خاص نتیجه داد یا آثار بلندمدت آن همچنان در تاریخ بشریت باقی است؟



آیه ای که در این شب به عنوان آیه محوری انتخاب شده است، حقیقتی عمیق در خود نهفته دارد.

"لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ" خدا می گه ما پیامبران موم رو با دلیل و مدرک فرستادیم، همراهشون کتاب و معیار عدالت دادیم تا مردم عدالت رو رعایت کنند. امام حسین (علیه السلام) هم برای همین قیام کرد؛ برای اینکه عدالت برقرار بشه.

این آیه از قرآن به روشنی به هدف پیامبران اشاره دارد؛ هدفی که تنها در چارچوب رسیدن به قسط و عدالت در جامعه امکان پذیر است. امام حسین (علیه السلام)، با قیام عاشورا، دقیقاً بر این اصل تأکید کرد: مقاومت در برابر ظلم و فساد، نه تنها برای حفظ دین و احکام الهی، بلکه برای تحقق عدالت در میان مردم است.

امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا نه تنها به دشمنان خود نشان داد که نمی شود با ظلم زندگی کرد، بلکه در بلندمدت نیز با قیام خود موفق شد تا یک تحول فکری و اجتماعی در مردم ایجاد کند. او با خون خود نه تنها از کیان اسلام دفاع کرد، بلکه در دل های مردم عدالت و حقیقت را زنده نگه داشت.

مقاومت امام حسین (علیه السلام) در کربلا، بر اساس این آیه، در دو سطح پیروزی داشت. اولین پیروزی در کوتاه مدت به دست آمد، زمانی که او در برابر یزید و ظلم و فساد حکومت او ایستاد و نشان داد که تنها با پایبندی به اصول الهی می توان در برابر ظلم ایستاد. اما پیروزی دوم و بزرگ تر، در بلندمدت رخ داد. قیام امام حسین (علیه السلام) نه تنها در آن روز به پیروزی رسید، بلکه در طول تاریخ، در دل هر مسلمان و هر فردی که عدالت را می طلبید، تأثیرگذار بود.

شخصیت های متناسب با موضوع



در تاریخ اسلام و انقلاب های بزرگ، شخصیت های زیادی یافت می شوند که همانند امام حسین (علیه السلام) در برابر ظلم و فساد ایستاده و در این مسیر نه تنها پیروز شدند، بلکه آثار ایستادگی آن ها همچنان بر تاریخ بشریت باقی مانده است.

یکی از شخصیت های برجسته و الهام بخش در تاریخ معاصر ایران، شهید سید مرتضی آوینی است. او در دوران جنگ تحمیلی، نه تنها به عنوان یک مستندساز و راوی حماسه های دفاع مقدس حضور فعال داشت، بلکه در برابر دشمنان داخلی و خارجی و نیز هرگونه انحراف فکری و فرهنگی ایستاد. آوینی با قلم و دوربینش، تصویری روشن و صادقانه از مقاومت و ایستادگی مردم ایران در برابر ظلم و تجاوز ارائه داد.

او نشان داد که مقاومت فقط به میدان جنگ محدود نمی‌شود؛ بلکه در عرصه فرهنگ، هنر و فکر نیز باید ایستاد و حقیقت را حفظ کرد. آثار شهید آوینی، همچون مستندهایش، نوشته‌ها و تحلیل‌های عمیقش، نه تنها در زمان جنگ بلکه سال‌ها پس از آن، همچنان در دل‌ها زنده است و پیام مقاومت عاشورا را به نسل‌های بعد منتقل می‌کند. او به ما یادآوری می‌کند که پیروزی واقعی، فقط پیروزی ظاهری در میدان نبرد نیست، بلکه پیروزی در حفظ ارزش‌ها، حقیقت و عدالت است که در طول تاریخ جاودانه می‌ماند.

شهید آوینی با ایستادگی در برابر ظلم و انحراف، به ما می‌آموزد که مقاومت، راهی است که باید در همه عرصه‌های زندگی ادامه یابد تا پیروزی حقیقی حاصل شود. وی می‌گوید: «هنر متعهد، هنر ایستادن در برابر ظلم و فساد است؛ هنر بیان حقیقتی است که دشمنان نمی‌خواهند دیده شود»،

«روایت فتح، روایت ایستادگی و مقاومت مردمی است که در برابر همه سختی‌ها و دشمنی‌ها، پای آرمان‌های خود ایستادند.»

«امت محمد را آن روز جز حسین ملجا و پناهی نبود. چه خود بدانند و چه ندانند. چه شکر نعمت بگذارند و چه نگذارند. واقعه عاشورا دروازه‌ای از نور است که آنان را از ظلم آباد یزیدیان به نورآباد عشق رهنمون می‌کند. اگر نبود خون حسین، خورشید سرد می‌شد و دیگر در آفاق جاودانه شب نشانی از نور باقی نمی‌ماند. حسین چشمه خورشید است.»

نافع بن هلال بجلي (یا جَمَلی) یکی از یاران برجسته امام حسین علیه السلام و از شهدای کربلاست که در روز عاشورا با شجاعت و ایستادگی مثال‌زدنی در راه حق جان خود را فدا کرد. او اهل کوفه و از قاریان قرآن و اصحاب امام علی علیه السلام بود و در جنگ‌های جمل، صفین و نهروان در رکاب آن حضرت شمشیر زده بود. نافع پیش از شهادت مسلم بن عقیل، مخفیانه از کوفه خارج شد و به استقبال امام حسین علیه السلام شتافت و همراه ایشان به کربلا آمد.

نافع تیرانداز ماهری بود و نام خود را روی تیرهای زهرآگینش می‌نوشت و با آنها به دشمن حمله می‌کرد. در روز عاشورا، هنگامی که عمرو بن قرطه از یاران امام به شهادت رسید، برادرش علی بن قرطه که در سپاه یزید بود، به خونخواهی او به میدان آمد، نافع بر او حمله کرد و مجروح ساخت. سپس با یارانش درگیر شد و رجز می‌خواند: «اگر مرا نمی‌شناسید، خود را معرفی می‌کنم؛ من از قبیله جَمَلی هستم و آیین و دینم همان دین حسین بن علی است.»

در جریان نبرد، نافع با تیرهای خود دوازده نفر از سپاه دشمن را کشت و بسیاری را مجروح کرد. وقتی تیرهایش تمام شد، شمشیر کشید و با فریاد اعلام کرد: «من شیرمردی از قبیله جَمَلی هستم، پیرو دین علی.»

در نهایت، دشمنان او را محاصره کردند، بازوانش را شکستند و او را اسیر کردند. شمر بن ذی الجوشن او را نزد عمر بن سعد برد و وقتی عمر بن سعد از او پرسید چرا چنین کرده است، نافع پاسخ داد: «به خدا سوگند، دوازده نفر از شما را کشتم و خود را ملامت نمی‌کنم. اگر بازوانم سالم بود، نمی‌توانستید مرا اسیر کنید».

شمر به عمر بن سعد گفت که نافع را بکشد، اما عمر بن سعد گفت اگر می‌خواهی خودت این کار را انجام بده. شمر شمشیر کشید و هنگام کشتن نافع، او به شمر گفت: «ملاقات خدا برای تو بسیار دشوار است و خون ما بر گردن تو سنگینی می‌کند. خدا را شکر که مرگ ما به دست بدترین خلقش رقم خورد.» سپس نافع به دست شمر به شهادت رسید.

در نهایت، مقاومت و ایستادگی نافع بن هلال بجلی، نمونه‌ای روشن از پیروی از راه امام حسین (علیه السلام) و پایبندی به عدالت و حق است. او که در روز عاشورا با تمام توان در میدان جنگ ایستاد و حتی پس از زخمی شدن و اسارت، با شجاعت و صلابت از آرمان‌های امام دفاع کرد، نشان داد که مقاومت فقط محدود به لحظات نبرد نیست، بلکه پایبندی به حقیقت و انتقال پیام عدالت، بخشی از این مسیر است. نافع بن هلال با جانفشانی و وفاداری خود، همچون هزاران مبارز دیگر در طول تاریخ، پیام عاشورا را زنده نگه داشت و الهام‌بخش همه کسانی شد که در برابر ظلم و فساد ایستادگی می‌کنند. این مقاومت، پیروزی‌ای است که نه تنها در آن لحظه، بلکه در طول تاریخ جاودانه می‌ماند و راه را برای عدالت‌خواهان آینده روشن می‌سازد.

نتیجه‌گیری

در زندگی امروز، ما هم مثل امام حسین (علیه السلام) در یک انتخاب بزرگ قرار داریم. آیا وقتی با بی‌عدالتی و ظلم روبرو می‌شویم، سکوت می‌کنیم و چشم‌مان را می‌بندیم؟ یا جرات و شهامت داریم که به صدای حق و عدالت بپیوندیم؟ امام حسین (علیه السلام) با قیام عاشورا به ما نشان داد که ایستادگی در برابر ظلم فقط یک کار لحظه‌ای نیست؛ این ایستادگی می‌تواند در کوتاهمدت اثرگذار باشد و حتی در بلندمدت، جامعه را بیدار کند و مسیر تاریخ را تغییر دهد.

مقاومت یعنی اینکه ما فقط وقتی در میدان جنگ نیستیم، دست روی دست نگذاریم. مقاومت یعنی در مدرسه، در خانه، در محل کار و در هر جایی که هستیم، مقابل ناعدالتی‌ها و مشکلات بایستیم و اجازه ندهیم حق پایمال شود. این مقاومت کوچک و بزرگ، همه جمع می‌شود و پیروزی‌های بزرگ را رقم می‌زند. پیروزی‌هایی که هم در همان لحظه به دست می‌آیند و هم در طول تاریخ به یادگار می‌مانند.

بیاید از امام حسین (علیه السلام) یاد بگیریم که ایستادگی بر اصول و آرمان‌های عدالت، همان پیروزی حقیقی است؛ پیروزی‌ای که نه فقط برای یک روز، بلکه برای همیشه در دل‌ها و تاریخ باقی می‌ماند و چراغ راه همه آزادی‌خواهان و عدالت‌طلبان است.

«هرگاه در برابر ظلم و ناعدالتی سکوت کنیم، در واقع اجازه داده‌ایم تاریکی بر نور پیروز شود. اما وقتی صدای حق را بلند می‌کنیم، حتی اگر تنها باشیم، نور امید را روشن کرده‌ایم».



گریز روضه

و حالا، در شب دوم محرم، کاروان امام حسین (علیه السلام) پس از سفری پر از سختی و خطر، به سرزمین کربلا وارد می‌شود؛ جایی که سرنوشت تاریخ رقم خواهد خورد. ورود به کربلا نماد آغاز مقاومت و ایستادگی است؛ جایی که امام حسین (علیه السلام) و یارانش با قلب‌هایی پر از ایمان و امید، به استقبال سخت‌ترین روزها می‌روند.

روضه‌خوانان در این شب، با نوحه‌ها و مرثیه‌های خود، غم و اندوه ورود کاروان به این دشت خشک و پر از خار را زنده می‌کنند؛ جایی که خیمه‌هایی پس از دیگری برپا می‌شود و دل‌های پر از درد اهل بیت، در انتظار روزهای پر از امتحان و شهادت است.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَعَلَى الْأَزْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَائِكَ.....



نکات تکمیلی شما

This image shows a full page of primary-ruled paper. It features ten sets of horizontal dashed lines, each set consisting of three parallel lines. These lines are evenly spaced vertically across the entire page, providing a guide for handwriting practice. The background is white, and there are no margins or additional markings.

شب سوم

" عقلانیت مقاومت: پیروزی با ایمان و اراده "

* كَمْ مِّنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً
كَثِيرَةً بِأِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ
الصَّابِرِينَ *

«چه بسیار گروه اندک که بر گروهی
بسیار غالب شدند به اذن خداوند، و
خداوند با صابران است»

بقره ۲۴۹

طلیحه (مناجات با امام زمان عجل الله تعالی فرجه)

دارد زیاد می شود ابن زیاده
این روزها رها شده در دست باده
دنیا شده ست مضحکه عدل و دادها
نفرین شوند باز هم این قوم عاده؟
نام تو تا همیشه بماند به یاده

رفته است آن حماسه خونین زیاده
آقای عشق! پرچم سبز و مقدس
بعد از تو کفر و ظلم، زمین را گرفته است
آیا زمان آن نرسیده است در جهان
کی می شود که طالب خونت بیاید و

مقدمه چینی (ایجاد انگیزه)



چقدر پیش آمده که فکر کنیم برای موفق شدن باید همه چیز کامل و آماده باشد؟
فکر کنیم بدون تجهیزات زیاد، امکانات فراوان یا تعداد زیاد افراد، نمی توانیم در برابر مشکلات بایستیم؟

آیا واقعاً همیشه باید منتظر شرایط ایده آل باشیم؟ وقتی با چالش های زندگی روبرو می شویم، آیا به توانایی های درونی خودمان اعتماد داریم؟ چقدر به این فکر کرده ایم که در برابر مشکلات، چه چیزی واقعاً تعیین کننده است؟
آیا قدرت ایمان و صبر می تواند بر نابرابری های ظاهری غلبه کند؟ آیا تاکنون شنیده ایم که گروهی کوچک توانسته اند بر گروهی بزرگ تر غلبه کنند؟ اگر چنین است، راز این پیروزی ها چیست؟ آیا این فقط یک اتفاق تاریخی است یا می تواند در زندگی امروز ما هم رخ دهد؟ ما کجا و چگونه می توانیم این قدرت درونی را به کار بگیریم؟

آیا این فقط مربوط به میدان های جنگ است یا در زندگی روزمره هم کاربرد دارد؟
خیلی وقت ها در زندگی مان به دلایلی به اشتباه فکر می کنیم که موفقیت و پیروزی تنها در گرو تجهیزات، امکانات و تعداد نفرات است. وقتی در مواجهه با مشکلات قرار می گیریم، گاهی باور می کنیم که اگر شرایط ایده آل نبود و تعدادمان کم بود، توانایی مقابله با چالش ها را نداریم. این نگاه، به نوعی چشم پوشی از توانایی های درونی و قدرت ایمان ماست. اما آیا همیشه این طور است؟
چقدر پیش آمده که یک گروه کوچک با اراده ای قوی، در برابر جمعیتی بزرگ و قدرتمند ایستاده و پیروز شده است؟

آیا این فقط یک اتفاق شانسی بوده یا نشانه ای از نیرویی بزرگ تر و عمیق تر است؟
در تاریخ اسلام، امام حسین ع با قیام عاشورا ثابت کرد که پیروزی نه در دست تعداد و تجهیزات، بلکه در دست اراده ای است که از ایمان و عقلانیت سرچشمه می گیرد. او نشان داد که گاهی یک فتنه قلیله (گروه کوچک) می تواند در برابر فتنه کثیره (گروه بزرگ) پیروز شود، به شرط آن که ایمان و عزم راسخ در میان باشد.

بسط محتوا با محوریت آیه



آیه‌ای که در این شب به عنوان آیه محوری ذکر شده، حقیقتی بزرگ را بیان می‌کند: "كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ" (بسیاری از گروه‌های اندک توانسته‌اند گروه‌های بسیاری را با کمک خداوند شکست دهند و خداوند با صابران است)

یکی از نمونه‌های بارز این حقیقت در قرآن، داستان طالوت و جالوت است. طالوت با لشکری اندک و محدود، در برابر جالوت و سپاه بزرگش ایستاد. هرچند تعدادشان بسیار کمتر بود، اما ایمان و توکل به خداوند باعث شد که با تدبیر و شجاعت بر دشمن غلبه کنند. این داستان به ما نشان می‌دهد که پیروزی واقعی وابسته به تعداد و قدرت ظاهری نیست، بلکه به ایمان، صبر و اراده‌ای استوار بستگی دارد که خداوند همراه صابران است. این آیه به وضوح می‌گوید که پیروزی و غلبه بر مشکلات و دشمنان، به اندازه و تعداد افراد بستگی ندارد، بلکه به ایمان، صبر، و اراده استوار بستگی دارد. امام حسین علیه السلام در کربلا با کمتر از ۷۰ نفر در برابر یک لشکر عظیم و مسلح قرار گرفت. او با ایمان و توکل بر خداوند و با درک کامل از اهداف عالی‌اش در مقابل ظلم ایستاد، حتی اگر نتیجه به ظاهری غیر از پیروزی مادی منتهی می‌شد. امام حسین علیه السلام اثبات کرد که در برابر قدرت‌های ظاهری، حقیقت و مقاومت برتری دارد و پیروزی واقعی در مسیر حق است.

شخصیت‌های متناسب با موضوع



برای درک بهتر مفهوم «عقلانیت مقاومت» و پیروزی با ایمان و اراده، نگاه کنیم به زندگی و مبارزات شهید سید عباس موسوی، دومین دبیرکل حزب الله لبنان، و شهدای فلسطینی مانند شهید یحیی سنوار.

سید عباس موسوی از جوانی عاشق آزادی و عدالت بود. او در شرایطی سخت و با امکانات محدود، در کنار مردم فلسطین و لبنان ایستاد و با ایمان راسخ و عقلانیت، راه مقاومت را پیش گرفت. در سال‌های جنگ و اشغال لبنان توسط رژیم صهیونیستی، سید عباس با برنامه‌ریزی دقیق و شجاعت مثال‌زدنی، توانست گروه‌های مقاومت را سازماندهی کند و حتی با وجود تهدیدهای شدید و ترورهای مکرر، هرگز از مسیر خود دست نکشید. او بارها در شرایطی قرار گرفت که تعداد نیروهایش بسیار کمتر از دشمن بود، اما با ایمان و توکل بر خدا، توانست مقاومت را زنده نگه دارد و الهام‌بخش هزاران جوان شد.

شهید یحیی سنوار، فرمانده جنبش حماس در غزه، نمونه‌ای دیگر از مقاومت عقلانی و ایمان‌مدار است که تا آخرین لحظه با اراده‌ای پولادین ایستاد. در آخرین لحظات زندگی‌اش، هنگامی که پهلپادهای دشمن به ساختمان محل استقرارش نزدیک شدند و دستش به شدت زخمی بود، او با تمام توان چوبی را به سمت پهلپاد پرتاب کرد. این حرکت ساده اما نمادین، نه تنها نشان‌دهنده ایستادگی بی‌امان او بود، بلکه تبدیل به نمادی جهانی از مقاومت و شجاعت در برابر قدرت‌های مادی شد. تصاویر این لحظه در سراسر جهان منتشر شد و الهام‌بخش میلیون‌ها آزادی‌خواه گردید. این صحنه، برای رژیم صهیونیستی یک افتضاح رسانه‌ای بزرگ به بار آورد، چرا که نشان داد حتی در مقابل پیشرفته‌ترین تسلیحات و فناوری‌های نظامی، اراده و ایمان یک انسان می‌تواند بر ترس و وحشت غلبه کند.

علاوه بر این، در جریان تبادل اسرای اسرائیلی با حماس، شکوه و عظمت مقاومت فلسطینیان به نمایش گذاشته شد. این رویداد نه تنها در عرصه نظامی، بلکه در میدان تبلیغات و جنگ روانی، پیروزی بزرگی برای مقاومت بود. این لحظات، نشان داد که حتی گروه‌هایی با امکانات محدود، با مدیریت هوشمندانه، ایمان و اراده قوی، می‌توانند در برابر دشمنان قدرتمند ایستادگی کنند و جایگاه خود را در تاریخ مقاومت تثبیت نمایند. همین عقلانیت را در وعده صادق ۳ مشاهده کردیم. با این که یک روز پر اضطراب و پر چالش و تنش داشتیم و سرداران رشید اسلام همچون سردار سلامی، سردار رشید، سردار حاجی‌زاده و سردار باقری و همچنین دانشمندان هسته‌ای برجسته‌ای مانند محمدمهدی طهرانچی و فریدون عباسی به شهادت رسیدند، اما عقلانیت متکی بر ایمان و اراده رهبری را ببینید. در آن لحظات حساس، تصمیم‌گیری‌های سنجیده و دوراندیشانه، مانع از واکنش‌های احساسی و عجولانه شد و مسیر حرکت کشور را بر پایه منطق و تدبیر استوار ساخت.

پیام آرامش‌بخش رهبر معظم انقلاب نیز نمونه بارزی از این عقلانیت بود؛ در این پیام، برخلاف انتظار، از واژه تسلیت و استرجاع استفاده نشد و ایشان به نیروهای مسلح دستور دادند که بی‌درنگ سرنوشت اسرائیل را تغییر دهند و انتقام سخت بگیرند. این پیام نه تنها آرامش و امید را در دل مردم زنده کرد، بلکه نشان داد که اراده و عزم رهبری برای مقابله قاطع با دشمنان، هرگز تضعیف نشده است.

امروز باید بدانیم که ما نزدیک قله ایم و هرچه به قله نزدیک‌تر می‌شویم، مشکلات و سختی‌ها بیشتر می‌شود. این طبیعی است و نباید ما را دلسرد کند. برعکس، باید صبور باشیم و راه را ادامه دهیم. نباید اجازه دهیم علمی که شهدا با جان و دل برافراشتند، زمین بماند یا فراموش شود.

وقت عزاداری و ناامیدی نیست؛ وقت قیام و حرکت بر مبنای ایمان و اراده است. مثل حضرت زینب که امان از دلی چون دل زینب که در همان نیم روز، از صبح خبر شهادت و میدان رفتن سرداران به گوشش می‌رسید...

خبر شهادت هفده تن از اعضای نزدیک، از جمله باردزاده‌ها، فرزندان و برادران، کم کم به گوشش می‌رسید... عجب عظمتی دارد این قلب زینب... این آرامشی که کاروان را به حرکت درمی‌آورد و مسیر تاریخ را عوض می‌کند....

باید خانواده‌ها و فعالین تربیتی در نگاه تربیتی‌شان یک اضافه‌ای داشته باشند و آن «مبارز با ایمان و اراده» بودن است؛ همان نکته‌ای که از ابتدای انقلاب در سرفصل‌های درسی جلسات بود، اما امروزه کمی فراموش شده یا کمرنگ شده است. مبارزه با ظلم باید در برنامه‌ها جایگاه ویژه‌ای پیدا کند.

مگر در حوادث اوایل انقلاب رئیس جمهور، نخست وزیر، رئیس قوه قضائیه و حزب جمهوری اسلامی و... از دست ندادیم؟ آیا شکستیم؟ یا ایمان و اراده یک ملت کمک کرد که نشکند و بایستد؟ این همان نیرویی است که در طول تاریخ انقلاب اسلامی نشان داده‌ایم؛ نیرویی که بر پایه ایمان راسخ و اراده پولادین، ملت ما را در برابر هر تهدید و فشار دشمنان پایدار نگه داشته است.

امام خمینی ره بعد از عملیات ثامن الائمه که چند فرمانده ارتش رو در سقوط هواپیما از دست دادیم، انگار نه انگار! می‌فرمود: چیزی نشده! ما فرمانده‌ها را از دست داده ایم؛ خدا رو که از دست ندادیم. ایمان و اراده را ببینید.

پس باید به قول امام موسی صدر، «حسینیه‌ای را حسینیّه بدانیم که فارغ التحصیلش آماده نبرد با اسرائیل باشد.» این یعنی باید آماده باشیم، هم در علم، فرهنگ و هم در دفاع از ارزش‌ها.

این رویکرد عقلانی و مقتدرانه، ریشه در آموزه‌های دینی و فرهنگ عاشورایی دارد که همواره بر صبر، بصیرت و پایداری در برابر سختی‌ها تأکید می‌کند و الگویی از مدیریت بحران و اقتدار معنوی را به جهانیان نشان می‌دهد.

این شخصیت‌ها، همانند امام حسین علیه السلام، به ما می‌آموزند که مقاومت تنها به معنای جنگیدن با سلاح نیست، بلکه ایستادن بر اصول، حفظ ایمان، استفاده از عقلانیت و برنامه‌ریزی دقیق است. آنها ثابت کردند که حتی گروه‌های کوچک و کم امکانات، اگر هدفی روشن و اراده‌ای پولادین داشته باشند، می‌توانند بر دشمنان بزرگ و قدرتمند غلبه کنند و راه حق را ادامه دهند.

گزیر روضه



شب سوم محرم، دل‌ها به یاد بانویی کوچک و بزرگ، حضرت رقیه علیها السلام، می‌تپد؛ دختری که با وجود سن کم، نمادی از صبر، شجاعت و پیروزی کلامی در برابر ظلم و ستم شد. پس از عاشورا، جمعیت اندکی از اسرای کربلا، از جمله بانوان و کودکان، به سوی شام حرکت کردند؛ سفری پر از رنج و سختی، اما سرشار از استقامت و ایمان.

روضه‌های این شب، داستان‌های دلخراش و در عین حال الهام‌بخش از خرابی‌های شام و مصائب حضرت رقیه را روایت می‌کنند؛ دختری که با صدای بلند و کلام حق‌طلبانه‌اش، در برابر ظلم یزید و لشکریانش ایستاد و پیروزی کلام را به نمایش گذاشت. این بانوی کوچک، با صبر و شجاعت خود، به همه نشان داد که حتی در اسارت و سخت‌ترین شرایط، مقاومت و ایستادگی ممکن است و پیروزی واقعی، پیروزی روح و کلام است. حضرت رقیه جمله‌ای به یادگار گذاشت که عمق مصیبت و بی‌پناهی او را نشان می‌دهد: «مَنْ الذی أَيْتَمَنِي فِي ضَعْفِ سُنِي؟» یعنی «چه کسی مراد در حالی که سنم کم است یتیم کرد؟» این جمله، فریادی است از دل یک کودک یتیم که در میان بزرگ‌ترین سختی‌ها و ظلم‌ها تنها مانده است.

الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَعَلَى الْأَزْوَاجِ الَّتِي خَلَّتْ بِفَنَائِكَ.....

نکات تکمیلی شما



.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



"تربیت نسلی مقاوم و هویتی عزتمند"

﴿أَيُّبَتُغُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ
الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾

«آیا نزد آنان [کافران] عزت
می جویند؟ در حالی که تمام عزت از
آن خداست»

نساء ۱۳۹

طلیحه (مناجات با امام زمان عجل الله تعالی فرجه)

بی تو تمام زندگی ما جهنم است!
تا جنگ بدر دیگران چند تا کم است؟
این راز سجده های ملائک به آدم است
دیگر بهار آمدن تو مسلم است
اما غروب مثل غروب محترم است!

دنیای بی نگاه تو تاریک و مبهم است
ای آفتاب سبزد و چندین قمر! بگو
نور تو خاموشی همه اعتراض هاست
با پنجه های ظلم به روی گلوی عدل
صبح طلوع جمعه دلم آفتابی است

مقدمه چینی (ایجاد انگیزه)



آیا تا به حال فکر کرده ایم عزت واقعی چیست و از کجا به دست می آید؟ عزت یعنی داشتن امکانات زیاد، قدرت ظاهری یا جلب رضایت دیگران؟ یا عزت یعنی ایستادن بر اصول، حفظ هویت و ایمان، حتی وقتی همه چیز علیه ماست؟ در دنیایی که بسیاری به دنبال دیده شدن و تأیید دیگران هستند، آیا می توان راهی بهتر پیدا کرد؟ آیا می دانیم که نسل های پیشین با چه سختی ها و ایستادگی هایی عزت واقعی را به دست آوردند؟

امروز می خواهیم درباره نسلی صحبت کنیم که عزت خود را در ایمان، مقاومت و استقلال می جوید، نسلی که هویتی عزتمند و مقاوم دارد و در برابر هر تهدیدی می ایستد. آماده اید با هم این مسیر را بشناسیم و راه های ساختن چنین نسلی را بیاموزیم؟

یکی از بزرگ ترین چالش های هر جامعه ای در طول تاریخ، تربیت نسلی است که هویت عزتمند و مقاومی داشته باشد. این نسل باید قادر باشد در برابر تمام فشارها، تهدیدها و مشکلات، نه تنها ایستادگی کند، بلکه آینده ای روشن تر و مقاوم تر بسازد. در دنیای امروز، بسیاری از جوانان به دنبال جلب توجه از طریق ظاهرسازی ها و جلب رضایت دشمنان و بیگانگان هستند، اما آیا این مسیر واقعا عزت و افتخار به دنبال خواهد داشت؟

درست همان طور که امام حسین ع در قیام عاشورا ثابت کرد، عزت واقعی نه در نزد دشمنان، بلکه تنها در نزد خداوند و در مسیر ایمان و مقاومت است. او جریان مقاومت را در برابر ظلم و فساد بنیان گذاشت، نه تنها برای خودش بلکه برای نسل های آینده که در برابر ظالمین سر به زیر نباشند و عزت خود را در دست خودشان بگیرند.

بیایید امروز با هم به مسیری نگاه کنیم که در آن نسل های مقاوم ساخته می شود، نسلی که از منابع داخلی خود یعنی ایمان، عزت، و اراده برای ایستادگی استفاده می کند و به هیچ وجه به دنبال عزت خواهی از بیگانگان نیست.



آیه ای که در این شب به عنوان آیه محوری انتخاب شده، حقیقتی بزرگ و عمیق را به ما یادآوری می کند:

”بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا، الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَلِيبْتَغُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا“

(بشارت ده به منافقان که عذاب دردناکی دارند، کسانی که کافران را به جای مؤمنان به دوستی می گیرند، آیا نزد آنها عزت می خواهند؟ حال آن که عزت تنها برای خداوند است) این آیه به ما می گوید که عزت واقعی و پایدار تنها نزد خداوند است و هر کس بخواهد عزت خود را از دشمنان و بیگانگان بگیرد، در واقع راهی به انحراف و شکست را انتخاب کرده است.

مثال هایی از تاریخ اسلام:

پیامبر اکرم ﷺ و مهاجرت به مدینه: در شرایطی که مشرکان مکه قدرت ظاهری را در دست داشتند، پیامبر ﷺ و یارانش با ایمان و توکل به خدا عزت واقعی را در هجرت به مدینه جستند. آنها به جای تسلیم شدن به زور ظالمان، با تشکیل جامعه ای مبتنی بر عدالت و ایمان، عزت حقیقی را بنا نهادند. این عزت، نه از شمشیر و قدرت مادی، بلکه از ایمان و اتحاد سرچشمه می گرفت.

جنگ بدر: در جنگ بدر، سپاه اندک و کم تجربه مسلمانان در برابر لشکری بزرگ و مجهز قرار گرفت. اما ایمان، توکل و مقاومت آنها باعث شد پیروزی بزرگی کسب کنند. این پیروزی نشان داد که عزت واقعی در قدرت ظاهری نیست، بلکه در ایمان و اراده است.

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و جنگ صفین: علی (علیه السلام) در جنگ صفین، با وجود اینکه سپاه مقابلش از نظر تعداد و تجهیزات برتر بود، با ایمان، تدبیر و مقاومت، عزت اسلام و مسلمین را حفظ کرد. او هرگز عزت را در نزد دشمنان جستجو نکرد و به اصول خود وفادار ماند.

امام حسین (علیه السلام) هیچ گاه به دنبال کسب عزت از قدرت های ظاهری و دشمنان نبود. در حالی که تمام دنیا علیه او بود و فشارهای فراوانی بر او وارد می شد، هرگز سر تسلیم در برابر ظلم و زور فرود نیاورد. او با خون خود مسیر جدیدی برای نسل های آینده ترسیم کرد؛ نسلی که عزت خود را در دستان بیگانگان نمی بیند بلکه بر اصول ایمان و مقاومت استوار است.

امام حسین (علیه السلام) با قیام عاشورا، یک مسیر جدید برای نسل های آینده ترسیم کرد؛ نسلی که هیچگاه عزت خود را در دستان بیگانگان نمی بیند. او با خون خود ثابت کرد که عزت واقعی در وفاداری به اصول ایمانی و ایستادگی در برابر ظلم است. امام حسین (علیه السلام) به ما آموخت که عزت نه در قدرت های ظاهری و دنیوی، بلکه در تسلیم نشدن در برابر دشمنان و ماندن در مسیر حق است.



برای درک بهتر مفهوم «عزت واقعی» و «مقاومت در برابر ظلم» بیایید به زندگی و ایستادگی چند شهید نوجوان و جوان نگاه کنیم که با ایمان و اراده‌ای پولادین، در برابر ظلم و فشارهای دشمن ایستادند و عزت را معنا کردند.

شهید آرمان علیوردی

آرمان علیوردی، طلبه بسیجی جوانی بود که در جریان ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱ تهران، با شجاعت و ایستادگی مثال‌زدنی در مقابل اغتشاشگران ایستاد. او حاضر نشد به زور و تهدید تسلیم شود یا به ارزش‌های خود پشت کند. در یکی از لحظات سخت، وقتی از او خواستند به رهبر انقلاب توهین کند، مقاومت کرد و حاضر به چنین کاری نشد. متأسفانه این ایستادگی و وفاداری به اصول، باعث شد که توسط اغتشاشگران مورد ضرب و شتم قرار گیرد و پس از چند روز به شهادت رسید. شهید علیوردی نمادی از نسلی است که عزت خود را نه در وابستگی به دشمنان، بلکه در ایمان، مقاومت و حفظ هویت می‌داند.

شهید بهنام محمدی

بهنام محمدی، نوجوان ۱۳ ساله خرمشهری، نماد شجاعت و مقاومت در دوران دفاع مقدس است. در روزهایی که خرمشهر زیر آتش دشمن بود، بهنام با وجود سن کم، تصمیم گرفت در شهر بماند و از وطنش دفاع کند. او با شجاعت به خطوط مقدم می‌رفت، اطلاعات مهمی از دشمن به دست می‌آورد و به رزمندگان کمک می‌کرد. چند بار به اسارت دشمن درآمد، اما هر بار با زیرکی فرار می‌کرد. بهنام در وصیت‌نامه‌اش نوشته بود: «عزت واقعی آن است که انسان در راه خدا و حفظ هویت خود ایستادگی کند، حتی اگر به قیمت جان‌ش تمام شود.» او با عمل خود نشان داد که عزت را نمی‌توان از دشمنان طلب کرد، بلکه باید آن را با مقاومت و فداکاری به دست آورد.

شهید مهرداد عزیزاللهی

مهرداد عزیزاللهی، نوجوان ۱۴ ساله اصفهانی، با دل‌پیر از ایمان و شجاعت، در برابر دشمن ایستاد. در کلیپ‌های منتشر شده از او، صدای رسا و کلام پرشور مهرداد درباره اهمیت مقاومت و ایستادگی، الهام‌بخش همه است. دوستانش می‌گویند که مهرداد هیچ‌گاه حاضر نبود عزت و شرافت خود را به خاطر فشار دشمنان فدا کند. او با ایمان و اراده قوی، ثابت کرد که حتی نوجوانان هم می‌توانند چراغ راه مقاومت و عزت باشند.

این شهدا و شخصیت‌ها همه در درک معنای عزت واقعی و مقاومت در برابر ظلم و فساد پیشرو بودند و مسیر جدیدی برای نسل‌های آینده ترسیم کردند. آنها به ما نشان دادند که هرگز نباید عزت را در دست دشمنان جستجو کنیم، بلکه باید با ایمان، اراده و تلاش برای حقیقت و استقلال، عزت حقیقی را از آن خود کنیم.

امام حسین (علیه السلام) با قیام عاشورا، راهی نو برای تربیت نسلی مقاوم و هویتی عزتمند گشود. او به همه ما آموخت که عزت واقعی در دست خداوند است و هر کسی که دنبال عزت نزد بیگانگان باشد، سرنوشتی جز شکست و ذلت نخواهد داشت. این قیام، نه تنها در زمان خودش، بلکه در طول تاریخ الهام بخش نسل‌هایی بوده است که فهمیده‌اند عزت در ایمان، مقاومت و استقلال است، نه در تسلیم شدن به دشمنان و فشارهای خارجی.

گریز روضه

در این شب، یاد روضه حر بن یزید ریاحی نیز جان تازه‌ای به دل‌های ما می‌بخشد. حر، فرمانده سپاه دشمن، ابتدا مقابل امام حسین (علیه السلام) ایستاد اما در نهایت با توبه و بازگشت به حق، نمادی از عزت واقعی شد؛ عزتی که در پذیرش حقیقت، ایمان و مقاومت در راه حق است. حر با این انتخاب بزرگ، نشان داد که حتی کسی که در ابتدا در جبهه دشمن بود، می‌تواند عزت حقیقی را بیابد و راهی نو برای خود و دیگران باز کند.

حر، مردی بود پر غرور و سرباز سپاه دشمن، اما وقتی دید که امام حسین (علیه السلام) چگونه با شجاعت و ایمان ایستاده است، دلش لرزید و وجدانش بیدار شد. آن لحظه، حر فهمید عزت واقعی نه در شمشیر و قدرت ظاهری، بلکه در ایمان و وفاداری به حق است.

او با توبه‌ای بزرگ، از سپاه دشمن جدا شد و به سوی امام حسین (علیه السلام) آمد، تا جان خود را در راه حق فدا کند. حر با این انتخاب شجاعانه، نه تنها عزت حقیقی را یافت، بلکه راه را برای همه ما روشن کرد که هرگز دیر نیست برای بازگشت به راه درست.

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ عَلَی الْاَزْوَاجِ الَّتِی حَلَّتْ بِفِئَاؤِکَ.....

نکات تکمیلی شما



.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....





"عاشورا: سدّ استوار در برابر انحرافات تاریخ"

﴿وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا
النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ﴾

«هرگز یهودیان و نصاری از تو راضی
نخواهند شد مگر اینکه از این و
روش آنان پیروی کنی»

بقره ۱۲۰

طلیحه (مناجات با امام زمان عجل الله تعالی فرجه)

تمام ناحیه خیس از دو چشم گریانش
 پر از ترنم غم کرده اشک سوزانش
 سلام آن که کند جان فدای جانانش
 بر آن تنی که نمودند نیزه بارانش
 سلام آن که کند جان خویش قربانش
 سلام آن که اگر بود کربلا، جانش،
 و می سپرد به شمشیرها گریانش
 علی الدوام شده ناله فراوانش
 به جای اشک روان، سیل خون ز چشمانش

غمی به وسعت عالم نشسته بر جانش
 شبیه ابر بهاری هوای ناحیه را
 سلام کرد به جدش سلامی از سر صدق
 سلام کرد بر آن گونه های خاک آلود
 سلام کرد بر آن بوسه گاه نورانی
 سلام آن که دلش زخمی مصیبت هاست
 میان طف، سپر نیزه و سنان می کرد
 سلام آن که اگر نینوا حضور نداشت
 سلام آن که سرازیر می شود هر روز

مقدمه چینی (ایجاد انگیزه)



آیا تا به حال فکر کرده‌ای که چرا در طول تاریخ، همیشه کسانی بوده‌اند که مسیر حقیقت را به انحراف کشیده‌اند؟

چرا گاهی افرادی که باید نگهبانان ارزش‌ها و اصول باشند، خودشان به سمت فساد و انحراف می‌روند؟

چرا بعضی از مردم، حتی وقتی حقیقت جلوی چشمشان است، آن را نمی‌بینند یا نمی‌خواهند ببینند؟

آیا می‌توان در برابر این موج‌های انحراف ایستاد؟ آیا می‌توان در دنیایی که پر از فشار و وسوسه است، راه درست را شناخت و از آن منحرف نشد؟ و مهم‌تر از همه، چه کسی می‌تواند تضمین کند که ما در مسیر درست باقی بمانیم؟ این سوال‌ها شاید در ذهن هر کدام از ما بارها شکل گرفته باشد.

اما پاسخ این سوال‌ها را کجا باید جستجو کرد؟ آیا راهی وجود دارد که ما را از سرگردانی و گمراهی نجات دهد؟

گاهی در زندگی، انسان‌ها در برابر یک انتخاب قرار می‌گیرند که بر سرنوشت خود و دیگران تأثیرات عمیقی دارد. این انتخاب‌ها ممکن است به ظاهر ساده باشند، اما در پشت هر تصمیمی، در واقع یک جریان عظیم از تغییرات اجتماعی، فرهنگی و حتی دینی نهفته است. آن‌جا که سکوت و تسلیم، می‌تواند به قیمت از دست دادن حقیقت تمام شود، و ایستادگی در برابر انحرافات، گامی است به سوی حفظ ارزش‌ها و اصولی که بنیاد یک جامعه سالم و درست را می‌سازند.

اما چه می‌شود که برخی انسان‌ها در چنین بزنگاه‌هایی تصمیم می‌گیرند که در برابر انحرافات تاریخ ایستاده و مسیر اصلی را حفظ کنند؟



آیه‌ای که در این شب به عنوان آیه محوری ذکر شده است، حقیقت تلخ و هشداردهنده‌ای را بیان می‌کند:

«وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ» (یهودیان و نصارا هرگز از توراتی نخواهند شد مگر آنکه از ملت آنان پیروی کنی).

این آیه به ما می‌گوید که انحراف در مسیر دین زمانی رخ می‌دهد که فرد یا جامعه به جای پایبندی به اصول حق، به دنبال جلب رضایت دشمنان دین باشد. این موضوع در تاریخ اسلام بارها تکرار شده است.

مصادیق انحراف در تاریخ اسلام پیش از قیام عاشورا

۱. انحرافات سیاسی و تحریف دین در دوران خلفای اول

پس از رحلت پیامبر اکرم ﷺ، برخی از خلفا و حاکمان، با استفاده از مفاهیمی چون «لزوم بیعت» و «حرمت نقض بیعت» که در اصل برای حفظ وحدت جامعه بود، آن را به شکل تحریف شده‌ای به کار بردند تا مشروعیت قدرت خود را تثبیت کنند. این مفاهیم بدون قید و شرط، مردم را به پذیرش حکومت‌های ظالم واداشت و زمینه‌ساز انحراف در مسیر دین شد.

۲. تحریف اصول و شعارهای دینی توسط بنی‌امیه

دوران حکومت بنی‌امیه، به ویژه پس از به قدرت رسیدن یزید، نمونه بارزی از انحراف در اسلام بود. بنی‌امیه با ترویج عقایدی مانند «جبر» و توجیه ظلم و استبداد، دین را به ابزاری برای تثبیت قدرت خود تبدیل کردند. برای مثال، معاویه و یزید ادعا می‌کردند که حکومت آنها قضای الهی است و مردم باید بدون اعتراض تسلیم باشند. این دیدگاه باعث شد که بسیاری از مردم حق و عدالت را فراموش کنند و به جای آن، به دنبال حفظ موقعیت‌های ظاهری و دنیوی باشند.

۳. نقش برخی از بزرگان و آقازاده‌ها در تسهیل انحراف

یکی از عوامل مهم انحراف جامعه اسلامی، سکوت یا همراهی برخی از بزرگان و آقازاده‌ها بود که می‌توانستند با نفوذ و جایگاه خود از وقوع انحراف جلوگیری کنند اما به دلایل مختلف از جمله منافع شخصی یا ترس، در برابر فساد و انحراف ایستادگی نکردند. این موضوع باعث شد که مسیر حق دچار تحریف و انحراف شود و زمینه برای حوادث تلخ بعدی فراهم گردد. یکی از نمونه‌های تاریخی مهم که نشان‌دهنده نقش سکوت و همراهی برخی بزرگان و مسئولین در گسترش انحرافات فرهنگی و دینی است، قضیه کشف حجاب در دوران رضاخان است.

رضاشاه با تصویب قانون کشف حجاب در سال ۱۳۱۴ شمسی، تلاش کرد پوشش اسلامی زنان را به زور و اجبار از جامعه حذف کند. این اقدام که با سرکوب قیام مسجد گوهرشاد و برخورد شدید با روحانیون مخالف همراه بود، زمینه‌ساز انحراف فرهنگی بزرگی شد. بسیاری از زنان مؤمن و معتقد که حجاب را نماد هویت دینی خود می‌دانستند، تحت فشار قرار گرفتند و حتی از فعالیت‌های اجتماعی محروم شدند.

در این میان، برخی از مسئولان و بزرگان که می‌توانستند در برابر این سیاست‌ها مقاومت کنند، یا به دلیل منافع شخصی، ترس یا مصلحت‌اندیشی سکوت کردند و یا همراهی نمودند. این سکوت و همراهی، به رضاخان اجازه داد تا با قدرت و بدون مانع، برنامه‌های خود را پیش ببرد و بسیاری از ارزش‌های دینی و فرهنگی جامعه را دستخوش تغییر کند. علی‌اصغر حکمت، وزیر معارف وقت که برنامه‌ریزی برای اجرای کشف حجاب را برعهده داشت و حتی پیشنهاد داد خانواده سلطنتی بی‌حجاب در مراسمی رسمی شرکت کنند تا این اقدام به صورت نمادین تثبیت شود. همچنین برخی از بزرگان فرهنگی و سیاسی که می‌توانستند صدای اعتراض باشند، به دلایل مختلف از جمله ترس یا منافع شخصی، سکوت کردند یا همراهی نمودند.

در مقابل، روحانیون متعددی مانند آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی و سید محمود طالقانی به مخالفت پرداختند و حتی به زندان و تبعید افتادند، اما فشار و سرکوب شدید حکومت باعث شد که بسیاری از بزرگان دیگر مجبور به سکوت شوند. امروز نیز متأسفانه شاهد نمونه‌هایی مشابه هستیم؛ مانند کشف حجاب برخی بازیگران و سلبریتی‌ها که به عنوان نمادی از انحراف فرهنگی مطرح می‌شود. در این شرایط، برخی مسئولان و آقازاده‌ها که باید حافظ ارزش‌ها و هویت دینی باشند، یا سکوت می‌کنند یا به نوعی همراهی می‌کنند. این سکوت و مماشات و حتی اهدای جوایز به کشف حجاب‌ها به بهانه اسلام‌رحمانی و تحویل گرفتن‌ها، همین تفکرات انحرافی زمینه‌ساز گسترش فساد و انحراف در جامعه می‌شود و هویت دینی و ملی را تهدید می‌کند.

این تجربه تاریخی به ما هشدار می‌دهد که هرگز نباید در برابر انحرافات فرهنگی و دینی سکوت کنیم و باید با شجاعت و صداقت در حفظ ارزش‌ها و اصول ایستادگی کنیم، چرا که سکوت و همراهی برخی، زمینه‌ساز انحرافات بزرگ‌تر و خسارات جبران‌ناپذیر خواهد بود.

اگر امام حسین (علیه‌السلام) در کربلا ایستادگی نمی‌کرد، ممکن بود که بسیاری از مفاهیم بنیادی اسلام در برابر فساد بنی‌امیه و کسانی که در پی تحریف دین بودند، به فراموشی سپرده شود. امام حسین (علیه‌السلام) با خون خود نه تنها از اصول اسلام دفاع کرد، بلکه از یک انحراف بزرگ تاریخی جلوگیری کرد که می‌توانست آینده امت اسلامی را تهدید کند.

شخصیت‌های متناسب با موضوع

برای درک بهتر این حقیقت که قیام امام حسین (علیه‌السلام) چگونه سد محکمی در برابر انحرافات تاریخی شد، کافی است به شخصیت‌هایی در تاریخ معاصر اسلام نگاه کنیم که مانند امام حسین (علیه‌السلام)، در برابر انحرافات فکری، فرهنگی و عقیدتی ایستادند و برای حفظ اصول صحیح دینی جان خود را فدای آرمان‌هایشان کردند.

شهید آیت الله مرتضی مطهری

شهید مطهری، نماد برجسته مبارزه فکری با انحرافات بود. او با قلم و اندیشه خود در برابر تحریف‌های دینی و سیاسی ایستاد و با استدلال‌های محکم، بسیاری از شبهات و انحرافات را افشا کرد. آثار و سخنان او همچنان چراغ راه نسل‌های آینده است و نشان می‌دهد که مقاومت فرهنگی و فکری می‌تواند سد محکمی در برابر انحرافات تاریخی باشد.

شهید علی خلیلی و شهید حمیدرضا الداغی

در میان شهدایی که با ایستادگی و شجاعت خود در برابر انحرافات فکری، فرهنگی و اخلاقی مقاومت کردند، شهید علی خلیلی و شهید حمیدرضا الداغی نمونه‌های بارزی هستند که برای نوجوانان امروز می‌توانند الگوی واقعی و ملموس باشند.

شهید علی خلیلی؛ مدافع حریم ناموس شیعه

شهید علی خلیلی طلبه‌ای جوان و باغیرت بود که در سال ۱۳۹۰ در یکی از محلات شرق تهران، در حالی که چند نفر از شاگردانش را تا منزل همراهی می‌کرد، با گروهی از ارادل و اوباش مواجه شد که قصد آزار و اذیت چند زن را داشتند. علی خلیلی با شجاعت و غیرت دینی، به دفاع از ناموس مردم برخاست و با لسانی نرم و لبی خندان، به آنها تذکر داد. اما این اقدام او با خشونت و ضربه چاقو به گلویش پاسخ داده شد و تا سال‌ها زبانش به سختی می‌چرخید و جسمش درگیر درد و رنج بود.

او بارها تاکید کرد که این کار را نه صرفاً امر به معروف، بلکه دفاع از ناموس می‌داند و معتقد بود دفاع از ناموس بر هر مسلمانی واجب است. علی خلیلی در نامه‌ای به رهبر معظم انقلاب نوشت که اگر چه جسمش زخمی و بیمار است، اما نگران ایمان و ارزش‌های دینی است و می‌خواهد جلوی بلا و انحراف را بگیرد. او حتی در شرایط سخت جسمی و روحی، از پای ننشست و با ایمان راسخ، پیام مقاومت و ایستادگی را به همه منتقل کرد.

شهید حمیدرضا الداغی؛ پایبند به حجاب و ارزش‌های دینی

در سبزوار، جوانی غیور، ورزشکار و اهل خانواده بود که در دفاع از دو دختر جوان مقابل مزاحمت خیابانی به شهادت رسید.

او که دارای مدرک کارشناسی معماری بود و در یک دفتر مهندسی در سبزوار مشغول به کار طراحی ساختمان بود، زندگی آرام و خانوادگی داشت و پدر یک دختر نوجوان بود.

در شامگاه هشتم اردیبهشت ۱۴۰۲، هنگامی که حمیدرضا منتظر بازگشت دخترش از کلاس بود، شاهد مزاحمت چند نفر از ارادل و اوباش برای دو دختر جوان شد. شهید الداغی با غیرت و شجاعت وارد عمل شد و ابتدا با تذکر لسانی سعی کرد مزاحمت را متوقف کند، اما وقتی این تلاش بی‌نتیجه ماند، برای دفاع از ناموس مردم وارد درگیری شد.

متأسفانه در این درگیری، او مورد حمله وحشیانه مهاجمان قرار گرفت و با ضربات متعدد چاقو زخمی شد. شدت جراحات به حدی بود که پیش از رسیدن به بیمارستان به شهادت رسید.

نتیجہ گیری

قیام عاشورا، بیش از یک جنگ ساده یا مبارزه صرف برای نجات اسلام از ظلم و فساد یزید بود. امام حسین (علیه السلام) با ایستادگی جانانه خود، سدّ محکمی در برابر انحرافات تاریخی و تحریف اصول دینی ساخت. او به ما آموخت که در برابر هر گونه تحریف و انحراف، چه در سطح فکری و چه در سطح عملی، باید با تمام وجود ایستاد و از ارزش‌ها و اصول اسلام دفاع کرد.



در این مسیر پرخطر، شهدای بسیاری جان خود را فدا کردند؛ از جمله شهید بزرگوار عبدالله بن حسن، نوجوانی یازده ساله و پاکباخته و دلیر که با شجاعت مثال زدنی در میدان نبرد حاضر شد و تا آخرین نفس در راه حق ایستاد. شهادت عبدالله بن حسن، نمادی است از فداکاری نسل نوجوان در حفظ دین و ارزش‌ها، و یادآور این نکته که ایستادگی در برابر انحراف، نیازمند شجاعت و ایمان راسخ است.

اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ يَا اَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ عَلَی الْاَزْوَاجِ اَلَّتِیْ حَلَّتْ بِفِنَائِکَ.....

السلام عَلَيْكَ يَا أَبَاعَبْدِ اللَّهِ وَعَلَى الْأَزْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ.....

[illegible]

شب ششم

" شکست پروژه جنگ روانی دشمن "

﴿ إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ
أَوْلِيَآءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا إِن
كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴾

«در حقیقت این شیطان است که
دوستانش را (با شایعه پراکنی و گفتار
وحشت زا) می ترساند؛ پس اگر مؤمن
هستید، از آنان نترسید»

آل عمران ۱۷۵

طلیحه (مناجات با امام زمان عجل الله تعالی فرجه)

روزی چشمان او فیضی دمداد می شود
چشم هایش چشمه ی جوشان زمزم می شود
بی نگاه تو دل ما خانه ی غم می شود
فرصت دیدار دارد گوئیا کم می شود
چون خم موی تو قامت هایمان خم می شود
مادری آماده ی ماهِ مُحرم می شود
زندگی بی گریه مانند جهنم می شود
مادرت صاحب عزایِ ذبیح اعظم می شود

خوش به حال عاشقی که با تو محرم می شود
عاقبت هر کس دلش را شستشو داد از گناه
پلک هایت باز کن درهای رحمت را مبند
در سر و رویم شده پیدا کمی موی سپید
دلبرِ احرام بسته، لیلی خیمه نشین
بر مشامم می رسد هر لحظه بوی کربلا
مجلس روضه بهشت ماست بر زهرا قسم
سفره دار گریه بر ارباب شخصی فاطمه است

مقدمه چینی (ایجاد انگیزه)



تا حالا شده وقتی خبری یا حرفی می شنوی، دلت بلرزد یا شک کنی که واقعاً چه اتفاقی افتاده؟

تا حالا شده احساس کنی اطرافیانِ درباره تو یا دوستانِ حرف‌هایی می‌زنند که درست نیست؟ یا وقتی در فضای مجازی وارد می‌شوی، پیام‌ها و تصاویر ضد و نقیض می‌بینی که نمی‌دانی باید به کدامشان اعتماد کنی؟
این‌ها همه بخشی از جنگ روانی دشمن است؛ ترفندی که می‌خواهد تو را سردرگم، ترسانده و ناامید کند.

اما سوال این است:

چطور می‌توانی در برابر این ترفندها مقاومت کنی؟ چطور می‌توانی ذهن و قلبت را از نفوذ دروغ‌ها و شایعات حفظ کنی؟ و مهم‌تر از همه، چه کسی به تو کمک می‌کند تا در این میدان پر از تردید و ترس، پیروز شوی؟

بسط محتوا با محوریت آیه



آیه‌ای که در این شب به عنوان آیه محوری ذکر شده است، آیه ۱۷۵ سوره مبارکه آل عمران است: «إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا مِنِّي إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» «در حقیقت این شیطان است که دوستانش را (با شایعه‌پراکنی و گفتار وحشت‌زا) می‌ترساند؛ پس اگر مؤمن هستید، از آنان نترسید و از من بترسید».

این آیه به روشنی بیان می‌کند که ترس آفرینی دشمن، ریشه در وسوسه‌های شیطانی دارد. دشمن با شایعه، تهدید و ایجاد فضای رعب، می‌خواهد اراده و ایمان ما را تضعیف کند. اما خداوند می‌فرماید: اگر ایمان دارید، از آنها نترسید؛ فقط از من بترسید.

این یعنی ترسیدن از دشمن، ما را زمین گیر می کند، اما ترسیدن از خدا و حفظ ایمان، ما را قوی و شکست ناپذیر می سازد.

دشمن همیشه به دنبال این است که با ایجاد ترس، شک و تردید، اراده ما را بشکند. این جنگ روانی می تواند در قالب شایعات، اخبار نادرست، تحریف حقایق و حتی فشارهای اجتماعی و فرهنگی ظاهر شود. اما چگونه می توانیم در برابر این ترفندها ایستادگی کنیم؟

شخصیت های متناسب با موضوع



آیا فیلم «غریب» را دیده اید؟ فیلمی که رشادت ها و فرماندهی بی نظیر شهید محمد بروجردی، معروف به «مسیح کردستان»، را در مقابله با ناآرامی ها و جنگ روانی دشمن در کردستان به تصویر می کشد و نشان می دهد چگونه با اتحاد مردم و شجاعت، پروژه های دشمن را شکست داد. این فیلم، نمونه ای الهام بخش از ایستادگی و مقاومت در برابر جنگ روانی است که نوجوانان امروز می توانند از آن درس بگیرند.

جنگ روانی کومله و ضدانقلاب

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، گروهک هایی مانند کومله و دمکرات با تکیه بر تبلیغات، تهدید و شایعه پراکنی، سعی داشتند مردم کردستان را از جمهوری اسلامی جدا کنند. آن ها با تصرف مراکز مهم شهر سنندج، استفاده از رادیو و تلویزیون محلی برای پخش اخبار کذب، تهدید خانواده ها و ایجاد رعب و وحشت، پروژه ای بزرگ از جنگ روانی را علیه مردم و رزمندگان راه انداختند

کومله با ارسال نامه های تهدیدآمیز، شایعه سازی و حتی یورش شبانه به خانه های مردم، سعی می کرد همه را وادار به سکوت یا همراهی با خود کند. آن ها حتی تلفن ها و تلگراف های مردم را کنترل می کردند تا هرگونه ارتباط با نیروهای انقلاب را قطع کنند و با ارباب، مردم را از حمایت سپاه و پیشمرگان مسلمان بازدارند

شهید ناهید فاتحی؛ دختر ۱۶ ساله ای که تسلیم جنگ روانی نشد

ناهید فاتحی، نوجوانی ۱۶ ساله از سنندج، نمونه ای روشن از ایستادگی در برابر جنگ روانی و تهدیدهای دشمن است. او پس از شهادت نامزدش به دست کومله، تحت فشار شدید روحی و اجتماعی قرار گرفت؛ از یک سو برخی مردم به او تهمت همکاری با کومله می زدند و از سوی دیگر، کومله و ضدانقلاب او و خانواده اش را تهدید می کردند.

ناهید سرانجام توسط کومله ربوده شد و با وجود شکنجه های وحشیانه، حاضر نشد علیه انقلاب و امام خمینی ره سخنی بگوید. شرط آزادی اش این بود که یک توهین و اهانت به امام خمینی ره کند، لب نگشود.... موهایش را تراشیدند، روستا به روستا چرخاندن، داخل کوره پختن، اما این اراده پولادین تسلیم نشد در نهایت او را زنده به گور کردند، اما نامش به عنوان نماد مقاومت و شجاعت در برابر جنگ روانی و ارباب دشمن ماندگار شد.

سازمان پیشمرگان مسلمان کرد؛ شکست تبلیغات دشمن

تشکیل سازمان پیشمرگان کرد مسلمان، پاسخی بود به همین جنگ روانی و فشارهای گروهک‌ها. این سازمان متشکل از جوانان بومی کرد بود که با ایمان و شجاعت در کنار سپاه و ارتش ایستادند و اجازه ندادند تبلیغات و تهدیدهای دشمن، مردم را از مسیر انقلاب جدا کند. پیشمرگان مسلمان کرد در آزادسازی سنجند و شهرهای دیگر نقش تعیین‌کننده‌ای داشتند و با حضور خود، امید و امنیت را به مردم بازگرداندند.

شهید ایرج نصرت‌زاد؛ فرمانده‌ای که زیر شکنجه دشمن تسلیم نشد
سرهنگ ایرج نصرت‌زاد، فرمانده ارتش جمهوری اسلامی در کردستان، نمونه‌ای دیگر از ایستادگی در برابر جنگ روانی و تهدید دشمن است. فرمانده کومله پس از اشغال پادگان سنجند، سرهنگ ایرج نصرت‌زاد، فرمانده تیپ یکم لشکر ۲۸ را که اسیرشان شده بود رو به بدترین شکل ممکن شکنجه کرد. در نهایت خم شد و چانه نصرت‌زاد رو گرفت و گفت: در چه حالی فرمانده... مرا می‌شناسی؟ سرهنگ نصرت‌زاد که در فیلم هم می‌گفت ما جزو رژیم قبل هستیم و شاید مثل انقلابی‌ها نتوانیم از انقلاب دفاع کنیم، آبی به صورتش انداخت و گفت: نمک به حرام! تو به کشور و ملت خیانت می‌کنی؟! من قسم خورده‌ام که تا آخرین قطره خونم از کشور و ملت دفاع کنم. او در حالی که زخمی شده بود، بابت سیم پیام داد: «جانم فدای ایران، درود بر رهبر انقلاب، زنده باد ارتش جمهوری اسلامی ایران.» هنوز صدای این سردار رشید موجوده.

ضدانقلاب که از روحیه و پیام‌های امیدبخش او عصبانی بود، او را به شهادت رساند. این پیام و مقاومت، الهام‌بخش رزمندگان و مردم شد و نشان داد که حتی در سخت‌ترین شرایط، می‌توان پروژه‌های ارباب و جنگ روانی دشمن را شکست داد.

این مقاومت و شکست پروژه جنگ روانی دشمن، نه فقط در تاریخ معاصر، بلکه در عاشورا نیز به زیباترین شکل ممکن تکرار شد... این‌ها شاگرد همان مکتب هستند. در کربلا هم، سپاه یزید نه فقط با شمشیر، بلکه با تبلیغات، شایعه‌پراکنی و رجزخوانی، تلاش می‌کرد روحیه امام حسین (علیه السلام) و یارانش را تضعیف کند و آنان را به تسلیم وادارد. یکی از مهم‌ترین ابزارهای جنگ روانی دشمن، همین رجزخوانی‌ها و نسبت دادن تهمت‌هایی مثل «خارجی» و «شورشگر» به امام و اصحابش بود.

اما پاسخ امام و یارانش نمونه‌ای بی‌نظیر از شکست پروژه جنگ روانی بود. امام حسین (علیه السلام) بارها با سخنرانی، افشای حقیقت و بیان هدف قیام، تبلیغات دشمن را خنثی کرد. ایشان در خطبه‌های خود و حتی در لحظات آخر، با صراحت اعلام کرد که برای احیای دین و اصلاح امت جدش قیام کرده است، نه برای قدرت‌طلبی یا خروج از دین. حتی یزیدیان نماز خواندن امام را باطل می‌دانستند و جنگ روانی راه انداخته بودند که نماز امام و یارانش باطل است. اما استواری یاران رو ببین. رجزخوانی‌ها را ببین.

حبيب بن مظاهر، وقتی دشمن نماز امام را باطل می‌دانست، پاسخ داد: «آیا می‌پنداری که نماز آل رسول خدا پذیرفته نیست و از تو پذیرفته می‌شود؟» آنقدر هجمه تبلیغاتی زیاد شده بود که نیاز به سنجش یاران در شب عاشورا رسید، امام حسین (علیه السلام) وقتی فرمود از تاریکی شب استفاده کنید و بروید، ببینید چه رجزهای نابی گفتند. این طور پای امام خودشان وایساند.

مسلم بن عوسجه خطاب به امام گفت:

«والله لو علمت أني أقتل ثم أحيى ثم أحرقت ثم أذرى يفعل بي ذلك سبعين مرة ما تركتك، فكيف وإنها قتلة واحدة ثم الكرامة إلى الأبد» به خدا قسم اگر می‌دانستم هفتاد بار کشته می‌شوم، زنده می‌شوم، سوزانده می‌شوم و خاکسترم پراکنده می‌شود، هرگز تو را رها نمی‌کنم، چه برسد به اینکه فقط یک بار کشته شوم و سپس کرامت ابدی نصیبم شود. با ایمان و شجاعت، حقیقت را فریاد زدند و نشان دادند که اگر ایمان باشد، «فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُونَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» تحقق می‌یابد.

امام حسین (علیه السلام) و یارانش با این ایستادگی، به همه تاریخ آموختند که جنگ روانی دشمن، هرچقدر هم شدید باشد، اگر ایمان و شناخت راه حق وجود داشته باشد، شکست خواهد خورد و حقیقت باقی خواهد ماند.

گریز روضه

در شب ششم محرم، یاد و نام حضرت قاسم بن الحسن (علیه السلام) زنده می‌شود؛ نوجوانی که با وجود سن کم، در میدان نبرد کربلا با شجاعت و ایمان مثال‌زدنی ایستاد و در برابر رجزخوانی‌ها و تهدیدهای دشمن، تسلیم نشد. روضه این شب، یادآور شجاعت و غیرت قاسم است که با رجزخوانی‌های ناب خود، نه تنها دل یاران امام را گرم کرد بلکه به دشمن فهماند که اراده حق شکست‌ناپذیر است.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَعَلَى الْأَزْوَاجِ الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَائِكَ.....

نکات تکمیلی شما



.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



"بی اعتمادی عاقلانه (نقد منطق سازش)"

﴿فَقَاتِلُوا أَلَمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا
أَيْمَانَ لَهُمْ﴾

«پس با پیشوایان کفر بجنگید، چرا
که آنان را هیچ پیمانی نیست»

توبه ۱۲

طلیحه (مناجات با امام زمان عجل الله تعالی فرجه)

ز اشک دوستان پیداست؛ می دانم که می آیی
تو تنها و علی تنهاست می دانم که می آیی
صدای ناله زهراست می دانم که می آیی
زمان، هر روز عاشوراست، می دانم که می آیی
به گوش زینب کبراست، می دانم که می آیی
شرار آتش دل هاست می دانم که می آیی
که مهدی مصلح دنیاست می دانم که می آیی

نگاه رحمت بر ماست؛ می دانم که می آیی
گذشته چارده قرن و هنوز ای یوسف زهرا
به گوش شیعه از پشت در آتش زده گویی
به یاد کربلا، کرب و بلا شد عالم امکان
هنوز آیات قرآن از لب جدّت به نوک نی
تماشای خیالی سر اصغر به نوک نی
به خون پاک مظلومان عالم می خورم سوگند

مقدمه چینی (ایجاد انگیزه)



تا حالا شده به کسی اعتماد کنی و بعد بفهمی که فقط حرف بوده و هیچ تعهدی در کار نیست؟ تا حالا فکر کردی چرا بعضی ها با وجود بارها خیانت و بدقولی، باز هم به دشمن اعتماد می کنند؟ در دنیای امروز، خیلی ها حرف از صلح و سازش می زنند؛ اما واقعاً می شود به هر کسی اعتماد کرد؟ آیا همیشه باید با لبخند و وعده های قشنگ، دل خوش کنیم یا باید عاقلانه و با چشم باز تصمیم بگیریم؟

۴۵

شب هفتم: "بی اعتمادی عاقلانه (نقد منطق سازش)"

بسط محتوا با محوریت آیه



آیه امشب، یک حقیقت تلخ اما مهم را به ما یادآوری می کند:
«فَقَاتِلُوا أَیْمَةَ الْکُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَیْمَانَ لَهُمْ»

خداوند صریح می گوید بعضی ها هیچ عهد و پیمانی ندارند؛ هر وقت منافعشان ایجاب کند، زیر همه چیز می زنند.

پس راه درست چیست؟

آیا باید ساده لوح بود و فریب خورد یا باید با چشم باز و بی اعتمادی عاقلانه، از حق و حقیقت دفاع کرد؟

امشب با هم درباره منطق سازش، تجربه های تلخ تاریخ و راهکارهای بی اعتمادی عاقلانه صحبت می کنیم.

آماده ای به دل تاریخ بنزیم و داستان ها و ماجراها رو تعریف کنیم که به همین پیام قرآن عمل نکردند و چه مصیبت هایی کشیدند؟



نمونه‌هایی از اعتماد اشتباه به دشمن در تاریخ اسلام

۱. **عبداللہ بن عباس در سپاہ امام حسن مجتبیٰ (علیه السلام):** پس از صلح امام حسن (علیه السلام) با معاویه، عبداللہ بن عباس کہ فرمانده بخشی از سپاہ امام بود، فریب وعده‌های معاویه را خورد. معاویه با وعده پول و مقام، عبداللہ را بہ سوی خود کشاند و او ہم شبانہ با گروہی از سپاہیان، جبہہ امام حسن را ترک کرد. این خیانت، ضربہ بزرگی بہ جبہہ حق وارد کرد و نشان داد کہ اعتماد بہ دشمنی کہ هیچ ایمانی بہ عہد و پیمان ندارد، چہ پیامدہای تلخی دارد.

۲. **عمر بن سعد و وعده‌های عبداللہ بن زیاد:** عمر بن سعد، فرمانده سپاہ کوفہ در واقعہ کربلا، نمونہ‌ای روشن از کسی است کہ فریب وعده‌های دشمن را خورد. عبداللہ بن زیاد بہ او وعده حکومت ری داد و گفت اگر مأموریت کربلا را بہ پایان برسانی، فرمانداری ری از آن تو خواہد بود. اما نہ تنها عمر بن سعد بہ حکومت ری نرسید، بلکہ پس از واقعہ کربلا مورد غضب و بی‌اعتمادی عبداللہ بن زیاد و یزید قرار گرفت و سرنوشتش با رسوایی و نابودی ہمراہ شد.

۳. **اعتماد یاران مختار بہ سپاہ ابن زبیر:** در قیام مختار، برخی از یارانش بہ سپاہ ابن زبیر اعتماد کردند و گمان کردند با سازش و ہمکاری، امنیت یا پیروزی بہ دست می‌آورند. اما سپاہ ابن زبیر بہ محض اینکہ فرصت یافت، بہ آنان حملہ کرد و بسیاری را از بین برد. حتی برخی فرماندہان مختار وقتی اوضاع را بہ نفع خود ندیدند، بہ دشمن پیوستند یا مختار را تنها گذاشتند و ہمین باعث شکست و شہادت مختار شد.

تجربہ‌های تلخ اعتماد بہ دشمن در تاریخ معاصر

۴. **اعتماد دکتر مصدق بہ آمریکا (کودتای ۲۸ مرداد):** بعد از ملی شدن صنعت نفت ایران بہ رہبری دکتر مصدق، ایران با تحریم و فشار شدید انگلیس روبرو شد. مصدق بہ امید حل مشکلات و رفع تحریم‌ها بہ آمریکا اعتماد کرد و فکر می‌کرد آمریکا از استقلال ایران حمایت می‌کند. اما آمریکا در ظاہر حمایت می‌کرد و در عمل، بہ خاطر منافع خودش و توافق با انگلیس، پشت مصدق را خالی کرد. در نہایت، آمریکا و انگلیس با ہمکاری ہم کودتای ۲۸ مرداد را طراحی کردند و دولت ملی مصدق را سرنگون کردند. این اتفاق باعث شد دوبارہ سلطہ خارجی بر نفت ایران برقرار شود و مردم ایران تا سال‌ها تاوان این اعتماد را بدهند.

۵. **اعتماد دولت موقت ایران بہ وعده‌های غرب پس از انقلاب:** بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، دولت موقت ایران بہ رہبری مهندس بازرگان، بہ امید دریافت کمک‌های اقتصادی و حمایت سیاسی، بہ غرب و مخصوصاً آمریکا اعتماد کرد. مسئولان دولت موقت فکر می‌کردند اگر با غرب رابطہ خوبی داشتہ باشند، مشکلات اقتصادی کشور حل می‌شود. اما در عمل، نہ تنها کمکی دریافت نکردند، بلکہ با کارشکنی، تحریم و حتی حمایت از مخالفان انقلاب روبرو شدند. این تجربہ باعث شد خیلی زود مسئولان متوجہ شوند کہ نباید بہ وعده‌های دشمنان انقلاب دل بست و باید روی توان داخلی تکیہ کرد.

۶. **اعتماد صدام و قذافی به آمریکا و غرب:** صدام حسین و معمر قذافی، هر دو زمانی به آمریکا و غرب اعتماد کردند. صدام با چراغ سبز غرب به ایران حمله کرد، اما در نهایت همان آمریکا که روزی متحدش بود، او را سرنگون کرد. قذافی هم پس از سال‌ها دشمنی با غرب، در آخرین سال‌های حکومتش همه چیز را به امید سازش و معامله به غرب سپرد، اما سرانجام همان‌ها با حمله نظامی، حکومتش را نابود کردند.

۷. **اعتماد قذافی به غرب و تحویل برنامه هسته‌ای:** معمر قذافی، رهبر لیبی، سال‌ها با غرب دشمنی داشت اما در اواخر حکومتش تصمیم گرفت با آمریکا و اروپا سازش کند. او برنامه هسته‌ای لیبی را به طور کامل کنار گذاشت و همه اطلاعات و تجهیزات را به غرب تحویل داد، به امید اینکه امنیت و حمایت به دست آورد. اما چند سال بعد، همین کشورهای غربی با حمله نظامی به لیبی، حکومتش را سرنگون کردند و قذافی به شکل فجیعی کشته شد. این اتفاق نشان داد که اعتماد به دشمنان و تکیه به وعده‌های آن‌ها، هیچ تضمینی برای امنیت و آینده ندارد.

۸. **اعتماد دولت‌های عربی به آمریکا و اسرائیل؛ پیمان کمپ دیوید و خیانت به فلسطین:** پیمان کمپ دیوید یکی از مهم‌ترین و بحث‌برانگیزترین توافقات تاریخ معاصر خاورمیانه است که پیامدهای آن هنوز هم در منطقه احساس می‌شود. این پیمان، نمونه‌ای روشن از اعتماد یک کشور عربی به وعده‌های آمریکا و اسرائیل بود که عواقب سنگینی برای جهان اسلام و مردم فلسطین داشت.

این پیمان در سال ۱۹۷۸ میان انور سادات، رئیس‌جمهور مصر، و مناخیم بگین، نخست‌وزیر اسرائیل، با میانجی‌گری آمریکا امضا شد.

اسرائیل متعهد شد صحرای سینا را به مصر بازگرداند و مصر اسرائیل را به رسمیت شناخت.

قرار شد مذاکراتی برای خودمختاری فلسطینیان آغاز شود، اما این وعده هرگز عملی نشد.

با این پیمان، اسرائیل برای اولین بار از سوی بزرگ‌ترین کشور عربی به رسمیت شناخته شد و امنیت و مشروعیت بیشتری پیدا کرد.

جبهه عربی و فلسطینی تضعیف شد و فلسطینیان همچنان تحت اشغال و فشار باقی ماندند.

حضور نظامی مصر در صحرای سینا محدود شد و بخشی از منطقه عملاً غیرنظامی شد. آمریکا نفوذ بیشتری در منطقه پیدا کرد و هر وقت منافعش اقتضا کرد، به راحتی پشت متحدان عرب خود را خالی کرد.

نتیجه‌گیری

تاریخ بارها و بارها به ما نشان داده که اعتماد به دشمنان، حتی با وعده‌های زیبا و صلح‌طلبانه، در نهایت به خیانت، عقب‌ماندگی یا نابودی منافع ملی و دینی منجر شده است.

بی اعتمادی نوجوانان مکتب روح الله رو ببینید، از برجسته‌ترین نمونه‌های بی‌اعتمادی عاقلانه و مقاومت در برابر دشمن، داستان بیست و سه نوجوان اسیر ایرانی است که در جریان جنگ تحمیلی به دست رژیم صدام افتادند. (اشاره به فیلم سینمایی آن بیست و سه نفر) این نوجوانان که به سنین نوجوانی و جوانی بودند، به کاخ صدام برده شدند و با وعده‌ها و پیشنهادهای مختلف تلاش شد تا آن‌ها را به همکاری یا تسلیم وادار کنند.

صدام حسین شخصاً به آن‌ها هدیه‌هایی از جمله قرآن‌های امضا شده، وعده آزادی، امکانات بهتر و حتی پیشنهادات مالی داد تا آن‌ها را از آرمان‌های خود دور کند. اما این جوانان با ایمان راسخ و اراده‌ای پولادین، به هیچ‌یک از این وسوسه‌ها پاسخ مثبت ندادند و با شجاعت تمام، وفاداری خود به وطن و آرمان‌های انقلاب را حفظ کردند.

یکی از آزادگان درباره این ماجرا می‌گوید: «صدام به ما گفت شما مهمان ما هستید و هدیه‌ای برایتان فرستاده‌ام.» اما وقتی هدیه را باز کردند، دیدند فقط قاشق‌های سیاه و ناصاف است که به عنوان نمادی از تحقیر به آن‌ها داده شده بود. این هدیه نمادین، تنها بخشی از تلاش‌های فریبکارانه دشمن بود که با مقاومت و هوشیاری این نوجوانان بی‌اثر ماند.

این مقاومت مثال‌زدنی، نمادی از بی‌اعتمادی عاقلانه به دشمن و پابندی به اصول است که به همه ما درس بزرگی می‌دهد و نشان می‌دهد حتی در سخت‌ترین شرایط، ایمان و اراده می‌تواند سدّ محکمی در برابر فریب دشمن باشد.

آیه قرآن و تجربه تاریخ، بارها این حقیقت را به ما گوشزد کرده‌اند: "فقاتلوا ائمه الکفر انهم لا ایمان لهم".

گرگ‌ها با چشم باز می‌خواهند؛ یعنی حتی در آرامش هم غافلگیر نمی‌شوند. ما هم باید همیشه با هوشیاری و بی‌اعتمادی عاقلانه، مراقب وعده‌های دشمن باشیم و فریب ظاهر فریبده آن‌ها را نخوریم.

گزیر روضه

حالا که این همه از بی‌اعتمادی عاقلانه گفتیم و از تجربه‌های تلخ اعتماد به دشمن شنیدیم، بیا بید سری به کربلا بزنیم؛ جایی که امام حسین علیه السلام و یارانش، هیچ‌گاه فریب وعده‌های دشمن را نخوردند. در روز عاشورا، وقتی امام حسین علیه السلام دید که سپاه دشمن حتی به کودکان هم رحم نمی‌کند و آب را بر خیمه‌ها بسته‌اند، با دستان خودش علی‌اصغر شش ماهه را به میدان آورد؛ شاید دلشان به رحم بیاید، شاید ذره‌ای انسانیت در وجودشان پیدا شود.

امام حسین علیه السلام با صدای بغض‌آلود فرمود: «ای مردم! اگر به من رحم نمی‌کنید، به این کودک شیرخوار رحم کنید».

اما دشمن، حتی به این حرف هم وفادار نماند. تیر سه‌شعبه حرمله، پاسخ همه مهربانی‌ها و امیدها بود.

این لحظه، اوج بی‌وفایی و پیمان‌شکنی دشمنان بود؛ جایی که حتی به کوچک‌ترین و بی‌گناه‌ترین عضو کاروان هم رحم نکردند. امام حسین (علیه‌السلام) با خون گلوی علی‌اصغر، حجت را بر همه تاریخ تمام کرد: به دشمنی که ایمان و انسانیت ندارد، هرگز نمی‌توان اعتماد کرد؛ حتی اگر لبخند بزند، حتی اگر وعده بدهد. کربلا، مدرسه بی‌اعتمادی عاقلانه است؛ جایی که امام و یارانش با چشم باز و دل مطمئن، راه حق را انتخاب کردند و فریب ظاهر دشمن را نخوردند.

اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ يَا اَبَاعَبْدِاللّٰهِ وَعَلَى الْاَزْوَاجِ الَّتِیْ حَلَّتْ بِفِئَاؤِکَ.....

نکات تکمیلی شما



.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



"عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد"

﴿وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ
الْمَاكِرِينَ﴾

«آن‌ها نقشه کشیدند و خدا هم
نقشه کشید و خدا بهترین
نقشه‌کش‌ان است»
آل عمران ۵۴

طلیحه (مناجات با امام زمان عجل الله تعالی فرجه)

ترس من از گذر جمعه تو دانی که چه بود؟
کربلا باز گذشت، ماه محرم طی شد
عمر از نیمه گذر کرد شدم شهره شهر
توبیا پای بر این چشم پنه جان به فدای قدمت
گرد پیری که زمان، بر سرِ مورِ یخت که ریخت
خون غشاقِ تورا، باز عدو ریخت که ریخت
حاصل عمر به جُستیدن و جورِ یخت که ریخت
غُرم دیدن رویت، آبرو ریخت که ریخت

مقدمه چینی (ایجاد انگیزه)



تا حالا فکر کرده اید چرا دشمنان ما این همه تلاش می کنند که ما را زمین بزنند؟
آیا واقعاً همه این نقشه ها فقط برای شکست ماست؟
یا شاید پشت این همه دشمنی، حکمت و نقشه ای بزرگ تر هم هست؟
چطور ممکن است تمام پروژه های جنگ روانی، تحریم ها، ترورها و تهاجم فرهنگی، در نهایت باعث قوی تر شدن ما شوند؟
آیا دشمنان ما ناخواسته دارند به ما خدمت می کنند؟
همین اسرائیلی های خبیث که ناجوانمردانه حمله کردند و زن و کودک ما را به شهادت رساندند، چه چیزی عائد ما شد؟ همه کسانی که رفته بودند و دائماً از نوشته های شان در فضای مجازی عاصی می شدیم، به صف جبهه حق نیامدند؟ زیر پرچم حق قرار نگرفتند؟

یادتان هست حرکت یزیدیان و جنایت های ابن زیاد چگونه باعث شد عاشورا به نقطه بیداری جهانی تبدیل شود؟ پس چرا امروز هم هر توطئه ای که دشمنان علیه ما می چینند، به بیداری و مقاومت ملت ها کمک می کند؟
چه چیزی باعث می شود مادران فلسطینی با وجود همه سختی ها، فرزندان شان را به راه مقاومت و ایستادگی تربیت کنند؟ آیا این خودش یک معجزه نیست؟
امشب می خواهیم با هم راز بزرگی را کشف کنیم: چگونه ممکن است دشمن، حتی اگر بخواهد ما را شکست دهد، به خواست خداوند، سبب خیر و رشد ما شود؟
آماده اید که این راز را با هم بفهمیم و از آن درس بگیریم؟

بسط محتوا با محوریت آیه



قرآن کریم این راز را (رمز نقشه های الهی در دل دشمنی ها) با یک جمله کوتاه و عمیق بیان می کند: «وَمَكَرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ» «آن ها نقشه کشیدند و خدا هم نقشه کشید و خدا بهترین نقشه کشان است.»
یعنی هر چقدر هم دشمنان برای نابودی حق و مؤمنان حيله گری کنند، خداوند با حکمت و قدرت بی نظیرش، نقشه های آن ها را به نفع مؤمنان تغییر می دهد و حتی دشمنی های آن ها را تبدیل به فرصت و خیر می کند.

در داستان حضرت یوسف علیه السلام، برادرانش از حسادت تصمیم گرفتند او را از پدر جدا کنند. آن‌ها نقشه کشیدند تا یوسف را به چاه بیندازند و برای همیشه از او خلاص شوند. اما خداوند همان نقشه را به نفع یوسف رقم زد. کاروانی که از کنار چاه می‌گذشت، یوسف را پیدا کرد و او را به مصر برد. سال‌ها بعد، یوسف از زندان به اوج عزت و قدرت رسید و خزانه‌دار مصر شد.

در این ماجرا هم آیه «وَمَكَرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ» به زیبایی معنا پیدا می‌کند: برادران یوسف نقشه بدی کشیدند، اما خداوند همان نقشه را به نفع یوسف و خانواده‌اش تبدیل کرد؛ طوری که سرانجام همه آن‌ها به لطف و رحمت الهی رسیدند.

هجرت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و نقش نقشه‌های دشمنان در سال‌های پایانی حضور پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در مکه، دشمنی و فشار مشرکان به اوج خود رسید. رسول خدا صلی الله علیه و آله دو پشتیبان بزرگ خود، یعنی حضرت ابوطالب و حضرت خدیجه را از دست داده بود و دشمنان جسورتر شده بودند. مشرکان مکه نه تنها یاران پیامبر را شکنجه می‌کردند، بلکه تصمیم گرفتند خود پیامبر را هم نابود کنند. آن‌ها شبانه خانه پیامبر را محاصره کردند و نقشه کشیدند که صبح زود، همگی با هم به خانه حمله کنند تا خون پیامبر بین همه قبایل تقسیم شود و کسی نتواند انتقام بگیرد.

اما در همان شب، جبرئیل بر پیامبر نازل شد و او را از توطئه دشمنان آگاه کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله تصمیم گرفت برای فریب دشمنان، حضرت علی علیه السلام را در بستر خود بخواباند و خودش مخفیانه از خانه خارج شود. او به جای اینکه مستقیماً به سمت مدینه برود، راه جنوب را در پیش گرفت و سه روز در غار ثور پنهان شد تا مشرکان نتوانند او را پیدا کنند. ماجرای توطئه قتل و ترور پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله چند بار توسط دشمنان و حتی برخی منافقان طراحی شد. در جنگ تبوک، ماجرای زن یهودی (پس از جنگ خیبر) و مسموم کردن پیامبر و به سخن درآمدن گوشت و... اما هر بار به نتیجه نرسید و عاملان آن رسوا شدند.

شخصیت‌های متناسب با موضوع



در تاریخ معاصرمان هم بارها شاهد این نقشه‌کشی‌های دشمن و چالش‌ها و بحران‌ها برای نظام اسلامی مان شدیم ولی در نهایت خیر و رحمت برای کشورمان به ارمغان آورده: عملیات طبس (حمله نظامی آمریکا به طبس): در اردیبهشت ۱۳۵۹، آمریکا با طراحی عملیات نظامی موسوم به «پنجه عقاب» تلاش کرد با اعزام نیروهای ویژه و بالگردها به صحرای طبس، گروگان‌های آمریکایی را از تهران آزاد کند. این عملیات به دلیل نقص فنی بالگردها، طوفان شن و برخورد هواپیما و بالگرد، با شکست کامل روبه‌رو شد و نیروهای آمریکایی مجبور به عقب‌نشینی شدند.

در زمینه تحریم‌های تسلیحاتی و علمی، دشمنان انقلاب اسلامی تلاش کردند با محدود کردن دسترسی ایران به فناوری‌های پیشرفته، تجهیزات نظامی و داروهای حیاتی، روند پیشرفت کشور را متوقف کنند. اما این فشارها نه تنها مانع پیشرفت نشد، بلکه ایران را به سمت خودکفایی و دستاوردهای بزرگ سوق داد.

پیشرفت‌های هسته‌ای: ایران با وجود شدیدترین تحریم‌ها، موفق شد به فناوری بومی هسته‌ای دست یابد و در جمع ۱۰ کشور برتر دارای فناوری هسته‌ای قرار بگیرد. دستاوردهایی مانند ساخت سوخت هسته‌ای، زنجیره کامل غنی‌سازی اورانیوم، تولید رادیوایزوتوپ‌ها و رادیوداروهای پیشرفته، ساخت سانتریفیوژهای نسل جدید، تولید آب سنگین و طراحی راکتورهای بومی از جمله موفقیت‌های مهم ایران در این حوزه است. امروزه بیش از ۳۰ کشور خواستار محصولات فناورانه هسته‌ای ایران هستند و این صنعت در بخش‌های پزشکی، کشاورزی و صنعتی نیز کاربردهای گسترده‌ای دارد. انقلاب ما کم هزینه ندارد و کم خون‌هایی در این رابطه به زمین نریخته مانند شهید شریاری، شهید رضایی نژاد و شهید احمدی روشن، علی محمدی و...

پیشرفت‌های نظامی و موشکی: در حوزه نظامی، تحریم‌های تسلیحاتی باعث شد ایران به سمت تولید بومی انواع تجهیزات دفاعی و موشک‌های پیشرفته حرکت کند. امروز ایران توانایی ساخت و توسعه انواع موشک‌های بالستیک، کروز، پهپادهای رزمی و سامانه‌های دفاع هوایی را دارد و جزو کشورهای مطرح در این زمینه به شمار می‌رود. شهید طهرانی مقدم که در شب دیگر در موردشان سخن می‌گوییم، بزرگ و پدر پیشرفتهایی در این زمینه هستند.

پیشرفت در تولید دارو و رادیودارو: تحریم‌های علمی و دارویی نیز باعث شد ایران به تولید بومی بسیاری از داروهای حیاتی و رادیوداروها دست پیدا کند. برای مثال، تولید انبوه رادیوداروهای مختلف که در تشخیص و درمان بیماری‌های مختلف کاربرد دارد، ایران را به یکی از معدود کشورهای تولیدکننده این داروها در جهان تبدیل کرده است. همچنین کیت‌های رادیوداروی پیشرفته برای درمان سرطان و سایر بیماری‌ها در داخل کشور تولید می‌شود. شهید محسن فخری‌زاده در زمینه تولید کیت‌های تشخیص کرونا و همچنین توسعه واکسن‌های بومی کرونا فعالیت داشتند.

تلاش برای ایجاد اختلاف بین اقوام و مذاهب ایرانی: با حمایت از گروهک‌های تجزیه طلب و تحریک اختلافات قومی و مذهبی، دشمنان سعی کردند وحدت ملی ایران را تضعیف کنند.

فتنه ۷۸ (حادثه کوی دانشگاه): در پی اعتراضات دانشجویی و سوءاستفاده عناصر فرصت طلب، ناآرامی‌هایی در تهران و برخی شهرها شکل گرفت.

فتنه ۸۸ (اعتشاشات پس از انتخابات): پس از انتخابات ریاست جمهوری، برخی جریان‌ها با ادعای تقلب و حمایت رسانه‌ای و سیاسی دشمنان خارجی، اعتراضات گسترده و آشوب‌هایی را رقم زدند.

یا پروژه «زن، زندگی، آزادی» از سوی دشمنان انقلاب اسلامی به عنوان یک نقشه و طراحی هدفمند برای ضربه زدن به جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۴۰۱ مطرح شد. تا با ایجاد نافرمانی و آشوب اجتماعی، جنگ شناختی و تأثیرگذاری بر نسل جوان، تحریک مطالبات زنان و وارونه‌نمایی وضعیت بتوانند امنیت، آرامش و وحدت جامعه ایرانی، رو ضعیف کنند و به کشورمون ضربه بزنند. حالا به نظر شما می‌توانند؟

همان طور که مشرکان با تمام نقشه‌ها و مراقبت‌هایشان، باز هم نتوانستند پیامبر را دستگیر کنند. و خداوند نقشه‌ها را بر باد کرد: «وَمَكْرُوا اللَّهَ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ» نه تنها شکست نبود، بلکه آغاز یک پیروزی بزرگ شد؛ تمام تلاشهای دشمن در پازل خداست. هیچ نقشه دشمن از اراده خدا بیرون نیست. حتی پروژه‌های جنگ روانی، تحریم، ترور، تهاجم فرهنگی، در نهایت ما را قوی‌تر می‌کند. دشمن ناخاسته و ناآگاهانه خدمت می‌کند. **عاشورا؛ نقطه بیداری:** یزیدیان و ابن زیاد هم می‌خواستند با ظلم و جنایت، صدای حق را برای همیشه خاموش کنند. اما خدا خواست که همان دشمنی‌ها، عاشورا را به نقطه بیداری و الهام‌بخش برای همه آزادگان جهان تبدیل کند. اگر آن همه دشمنی و خشونت نبود، شاید پیام عاشورا تا این اندازه در دل‌ها زنده نمی‌ماند. بعد از واقعه عاشورا، موجی از بیداری و اعتراض در سراسر جهان اسلام شکل گرفت. اولین جرقه‌ها را کاروان اسرا و خطبه‌های روشنگرانه حضرت زینب علیها السلام و امام سجاد علیه السلام در کوفه و شام زدند. این خطبه‌ها، حقیقت ماجرا را برای مردم روشن کرد و چهره واقعی یزید و بنی‌امیه را رسوا ساخت.

در ادامه، قیام‌هایی یکی پس از دیگری شکل گرفت: قیام مردم مدینه (واقعه حَرّه): مردم مدینه که از جنایت‌های یزید و رفتار او با اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله به ستوه آمده بودند، علیه حکومت یزید قیام کردند. اگرچه این قیام سرکوب شد، اما نشان داد که مشروعیت یزید به شدت زیر سؤال رفته است. قیام توابعین: گروهی از کوفیان که از باری نکردن امام حسین علیه السلام پشیمان شده بودند، با شعار "یا لثارات الحسین" قیام کردند تا خونخواهی امام را به جا آورند. قیام مختار ثقفی: مختار با هدف انتقام خون امام حسین علیه السلام و یارانش قیام کرد و بسیاری از عاملان واقعه کربلا را به سزای اعمالشان رساند.

گزیر روضه



حالا که از بیداری و قیام‌ها بعد از عاشورا گفتیم، بیا ببینیم دل‌هایمان را به خیمه امام حسین علیه السلام ببریم؛ شب هشتم، شبی است که هوای کربلا عطر علی اکبر علیه السلام دارد. امشب، شب جوان رشید و دلاور کربلاست؛ جوانی که نه تنها امید دل پدر بود، بلکه چهره و اخلاق و صدایش یادآور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود. امام حسین علیه السلام هر وقت دلش برای پیامبر تنگ می‌شد، به علی اکبر نگاه می‌کرد.

در روز عاشورا، وقتی دشمنان راه را بر امام بستند و عطش و غربت به اوج رسید، علی اکبر اولین کسی بود که از پدر اجازه میدان گرفت. امام حسین علیه السلام نگاهی به قامت جوانش انداخت، اشک در چشمانش حلقه زد و فرمود: «خدایا! شاهد باش جوانی را به میدان می فرستم که شبیه ترین مردم به پیامبر توست؛ هم در چهره، هم در گفتار و هم در رفتار»..... علی اکبر به میدان رفت...
 السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَبَاعَبْدِ اللَّهِ وَعَلَى الْأَزْوَاجِ الَّتِي خَلَّتْ بِفَنَائِكَ.....

نکات تکمیلی شما



.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



"استقامت رمز پیروزی"

﴿وَلَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ
لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً عَذَقًا﴾

«و اگر [مردم] پیراه راست پایدار
می ماندند، قطعاً آب فراوان (و روزی
گسترده) به آنان می دادیم.»

جن ۱۶

طلیحه (مناجات با امام زمان عجل الله تعالی فرجه)

اگر عبور تو یک شب نصیب ما گردد	حسین گفتنِ تو می کند حسینه ام
حسین گو که مرا در این دهه بکشی	حسین گو که مرا در این دهه بکشی
تو می رسی که سلامی کنی به گریه کنش	تو می رسی که سلامی کنی به گریه کنش
کمی ز شانه ی خود این غبار را بتکان	کمی ز شانه ی خود این غبار را بتکان
قرار بود مرا عاقبت به خیر کنند	قرار بود مرا عاقبت به خیر کنند
غرض ز مجلسان درکی از بصیرت هاست	غرض ز مجلسان درکی از بصیرت هاست
ز ما گذشت عزیزم ولی خدا نکند	ز ما گذشت عزیزم ولی خدا نکند

مقدمه چینی (ایجاد انگیزه)

تا حالا فکر کردی چرا بعضی ها با وجود همه سختی ها و مشکلات، دست از هدفشان برنمی دارند و آخرش هم موفق می شوند؟ آیا تا به حال به این فکر کردی که چرا بعضی ها با اولین مانع جا می زنند، اما بعضی ها هر چقدر هم زمین بخورند، باز بلند می شوند؟ اگر روزی همه دنیا علیه تو باشد، اما بدانی راحت درست است، حاضری بایستی و ادامه بدهی؟

اگر به تو بگویند رسیدن به آرزوهایت فقط یک شرط دارد: «استقامت»، حاضری چقدر پای آن بایستی؟ تا حالا کسی را دیده ای که با صبر و استقامت، به چیزی برسد که دیگران فکرش را هم نمی کردند؟

به نظر تو، استقامت فقط مخصوص قهرمان ها و بزرگان است یا هر کسی می تواند با استقامت، قهرمان زندگی خودش باشد؟ توی این چند روزه جنگ با اسرائیل، چه کار کردی؟ فرار یا ایستادگی؟

بسط محتوا با محوریت آیه

وقتی به زندگی نگاه می کنیم، می بینیم هیچ موفقیتی بدون تلاش و پایداری به دست نمی آید. حتی پیامبران و بزرگان دین هم در مسیرشان با سختی ها و مشکلات فراوانی روبرو شدند، اما هرگز از راه حق دست نکشیدند. قرآن کریم به ما می گوید:

«وَلَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا» اگر مردم بر راه درست استقامت می کردند، خداوند روزی و برکات فراوانی به آن ها می داد.

استقامت یعنی چه؟ یعنی وقتی زمین خوردی، دوباره بلند شوی. یعنی وقتی همه چیز سخت و غیرممکن به نظر می‌رسد، به رهاست ادامه دهی. یعنی وقتی دیگران ناامید می‌شوند، تو امید داشته باشی.

امشب می‌خواهیم درباره این راز بزرگ حرف بزنیم که چگونه استقامت می‌تواند رمز پیروزی و موفقیت باشد؛ همان چیزی که امام حسین علیه السلام و یارانش در کربلا به ما آموختند. آیه‌ای که امشب محور بحث ماست، به زیبایی رمز موفقیت و پیروزی را بیان می‌کند:

«وَلَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا» اگر مردم بر راه درست استقامت می‌کردند، خداوند روزی و برکات فراوانی به آن‌ها می‌داد.

این آیه به ما می‌آموزد که کلید رسیدن به برکت و روزی گسترده، پایداری و استقامت در مسیر حق است. در تاریخ دین و زندگی پیامبران، بارها این حقیقت را می‌بینیم: پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با وجود فشارها، تحریم‌ها، توطئه‌ها و هجرت‌های سخت، هرگز از رسالت خود دست نکشید و تا آخرین لحظه عمر شریفش، استقامت کرد.

امام حسین علیه السلام در کربلا، وقتی همه چیز علیه او بود، با استقامت و ایمان به خدا، ایستاد و درس آزادی و مقاومت را برای همیشه به ما آموخت. حضرت یوسف علیه السلام که سال‌ها در زندان و سختی بود، اما هیچ‌گاه از راه حق و ایمانش دست نکشید و در نهایت به اوج عزت رسید.

حضرت ایوب علیه السلام که در سخت‌ترین بیماری و رنج‌ها، استقامت کرد و خداوند او را شفا داد و برکت داد.

استقامت یعنی باور داشتن به هدف و ادامه دادن مسیر، حتی وقتی که دنیا به نظر تاریک و ناامیدکننده می‌آید. استقامت یعنی ایستادن پای حق، حتی اگر همه چیز علیه تو باشد.

شخصیت‌های متناسب با موضوع



داستان زندگی دکتر محمود حسابی نمونه‌ای روشن از استقامت و پایداری در مسیر علم و خدمت به کشور است. او در کودکی، همزمان با جنگ جهانی اول، همراه خانواده‌اش به لبنان مهاجرت کرد و سال‌ها با فقر و سختی زندگی کرد؛ تا جایی که برای ادامه تحصیل در بیروت مجبور بود نان خشک بخورد و حتی گاهی از کمک‌های کارمندان سفارت ایران برای گذران زندگی استفاده می‌کرد. با وجود این محرومیت‌ها، هیچ‌گاه از راه علم و تلاش دست نکشید و با پشتکار فراوان، موفق به اخذ دکترای فیزیک شد.

دکتر حسابی پس از بازگشت به ایران، با وجود بی‌مهری‌ها و مشکلات فراوان، پایه‌گذار دانشکده‌های علوم، مهندسی فنی و هواشناسی شد و نقش مهمی در گسترش آموزش عالی و فرهنگ علمی کشور ایفا کرد. او همیشه به شاگردان و اطرافیانش یاد می‌داد که حتی در سخت‌ترین شرایط، باید امید و تلاش را رها نکرد و با استقامت می‌توان به قله‌های موفقیت رسید.

حالا به کمی به سالهای جنگ تحمیلی بریم. رفقا! در سال‌های ابتدایی دفاع مقدس، ایران با کمبود شدید تجهیزات نظامی، مخصوصاً موشک، روبه‌رو بود. دشمن بعثی شهرهای ایران را بی‌وقفه موشک‌باران می‌کرد و مردم بی‌دفاع، زیر آتش دشمن قرار داشتند. در این شرایط، شهید حسن طهرانی مقدم و یارانش با دست خالی و در اوج محرومیت، تصمیم گرفتند کاری کنند که هیچ‌کس باورش نمی‌کرد: ساخت موشک ایرانی.

در آن روزها، نه تنها هیچ کشوری حاضر نبود به ایران سلاح بفروشد، بلکه حتی ابزارهای ساده‌ای مثل سیم خاردار را هم نمی‌دادند. هرچه تلاش کردند، موفق نشدند از خارج موشک تهیه کنند. حتی وقتی چند موشک از لیبی وارد شد، مستشاران خارجی آن‌ها را از کار انداختند تا ایران نتواند استفاده کند. اما شهید طهرانی مقدم و تیمش با روحیه‌ای خستگی‌ناپذیر، شبانه‌روز تلاش کردند تا با مهندسی معکوس و ابتکار، قطعات خراب را بازسازی کنند و اولین موشک‌ها را آماده شلیک نمایند.

اوایل کار، حتی برخی از دوستان و مسئولان باور نداشتند که این جوانان بتوانند با این امکانات محدود به چنین موفقیتی برسند. اما شهید طهرانی مقدم با استقامت، ایمان و امید، همه موانع را یکی‌یکی پشت سر گذاشت. او می‌گفت: «نیاز، پدر اختراع است» و واقعاً با تمام وجود این نیاز را حس کرده بود.

با گذشت زمان و تلاش شبانه‌روزی، اولین موشک‌های ایرانی ساخته شد و به سمت دشمن شلیک گردید. این موفقیت، نقطه آغاز جهشی بزرگ بود؛ امروز ایران یکی از قدرت‌های بزرگ موشکی منطقه است و زرادخانه‌ای متنوع و پیشرفته دارد که حتی دشمنان هم به قدرت بازدارندگی آن اذعان می‌کنند.

در همین جنگ چند روزه‌ای که خمس و زکات موشک‌ها و پهپادها مون روزیم توی سر امریکا و اسرائیل، دیدید چه عزّتی رقم خورد. حیرت جبهه باطل را دیدید! گنبد‌های آبکش شده آنها را دیدید؟! ... چقدر استقامت برامون جلوه کرد.

البته جای شهدایی همچون شهید امیرعلی حاجی‌زاده که راه طهرانی مقدم‌ها را با استقامت پر کردند، خالی است.

در تصاویری که از دوربین مدار بسته حرم قم پخش شد که شب قبل از شهادت به تبعیت از رهبرمون به زیارت حضرت معصومه رفت و توسلی کرد ... شهدا هم می‌دانند استقامت کلیده اما توسل و توکل چاشنی آن.

در حادثه کربلا هم امام حسین علیه السلام، در شرایطی قرار گرفت که همه چیز علیه او بود؛ یاران اندک، دشمنان بسیار، تشنگی و محاصره، و حتی تهدید جان خانواده و کودکش. اما او هرگز تسلیم نشد و با استقامت و ایمان به وعده‌های الهی، تا آخرین لحظه بر راه حق ایستاد.

امام حسین علیه السلام به ما آموخت که حتی اگر تمام دنیا مقابل انسان بایستند، اگر راه، راه حق باشد، باید ایستادگی کرد و عزت و آزادی را بر هر چیز دیگری ترجیح داد.

استقامت امام حسین (علیه السلام) فقط یک مقاومت فردی نبود؛ او با رفتار و گفتار خود، یارانش را نیز به صبر و پایداری دعوت می‌کرد. در سخت‌ترین لحظات، وقتی کودکان از تشنگی بی‌تاب بودند و دشمن حلقه محاصره را تنگ‌تر می‌کرد، امام نه تنها دچار تردید نشد، بلکه با آرامش و اطمینان، یارانش را به صبر و امیدواری فرا می‌خواند. او می‌دانست که این ایستادگی، نه فقط یک نبرد نظامی، بلکه یک جهاد بزرگ برای حفظ حقیقت و کرامت انسانی است.

امام حسین (علیه السلام) با استقامت خود، راه آزادی و مقاومت را برای همیشه به ما آموخت؛ راهی که تا امروز الهام‌بخش همه آزادی‌خواهان و حق‌طلبان جهان است. پیام کربلا این است: حتی اگر تنها بمانی، حتی اگر همه درها به رویت بسته شود، اگر با خدا باشی و بر راه حق استقامت کنی، پیروزی واقعی از آن تو خواهد بود.

گزیر روضه



حالا که از استقامت امام حسین (علیه السلام) گفتیم، دل‌هایمان آرام آرام به خیمه‌های کربلا نزدیک می‌شود؛ شب نهم، شبی است که هوای کربلا پر از اضطراب و چشم‌انتظاری است. شبی که دشمن حلقه محاصره را تنگ‌تر کرده و صدای سم اسب‌ها و فریاد دشمنان، دل اهل حرم را لرزانده است.

امشب شب تاسوعاست؛ شبی که حضرت عباس (علیه السلام)، علمدار کربلا، با استقامت و وفاداری‌اش امید اهل بیت را زنده نگه داشته است. شبی که بچه‌ها با چشمان اشکبار به مشک عباس نگاه می‌کنند و دلشان به سقای دشت کربلا خوش است.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ عَلَى الْأَزْوَاجِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ.....

نکات تکمیلی شما



.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

شب دهم

"پیام امید بخش شهدا"

﴿ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي
سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ
رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ، فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ
اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ... ﴾

«و هرگز کسانی را که در راه خدا
کشته شده اند، مرده مپندار؛ بلکه
زنده اند و نزد پروردگارشان روزی داده
می شوند.

(آنان) به آنچه خدا از فضل خود به
ایشان عطا کرده شادمانند.»

آل عمران ۱۶۹-۱۷۰

طلیحه (مناجات با امام زمان عجل الله تعالی فرجه)

شکسته بال و پر، وای نمی شود بالم
هنوز هم که هنوز است در مسیر جنون
گذشت فرصت عمرم، سپید شد مویم
مرا ببخش که کمتر به یادتان بودم
فدای تار عبايت، بگیر دستم را
به غیر روضه و گریه، به غیر نور شما
میان روضه ی گودال این دلم گیر است
هنوز هم که هنوز است دل پریشان

از این خراب تر آقا نمی شود حالم
به پختگی نرسیدم، چو میوه ای کالم
بدون رؤیت رویت گذشت هر سالم
ببخش، رنگ شما نیست رنگ اعمالم
بگیر دست دلم را، مریض احوالم
که هیچ نور امیدی نمانده در عالم
شبه جد غریبت اسیر گودالم
صدای نعل جدید و شروع جنجالم

مقدمه چینی (ایجاد انگیزه)



گاهی آدمی در زندگی به لحظاتی می رسد که همه چیز تیره و تار به نظر می رسد؛ انگار هیچ روزنه امیدی نیست. شاید برای تو هم پیش آمده باشد که زیر فشار مشکلات، با خودت فکر کنی دیگر راهی نمانده، دیگر امیدی نیست.

اما مگر می شود در دل این تاریکی ها، نوری پیدا کرد؟

آیا واقعاً می شود وقتی همه چیز علیه آدم است، هنوز به فردا دل بست؟

توی آن شب جمعه ۲۳ خرداد ماه یه همچنین حالتی رو درک کردیم. سردارها روزدند و به شهادت رساندند و داره خبرهای نا امید کننده میاد و همه اضطراب و جودمان را گرفته و برخی ها نمی دانند باید چی کار کنند!

رزمندگان و شهدا چطور توانستند در میانه محاصره، عطش، تهدید و غربت، لبخند بزنند و امید را از دست ندهند؟

آیا امید داشتن فقط مخصوص روزهای خوشی است یا در دل سخت ترین شب ها هم می شود به آینده امیدوار بود؟

این شب ها، شب هایی است که باید به خودمان برگردیم و بپرسیم:

راز آن امیدی که شهدا در دل شب عاشورا داشتند چه بود؟

آیا ما هم می توانیم در دل مشکلات و سختی ها، به همان امید و آرامش برسیم؟

امشب، بیایید با هم به دنبال پاسخ این سؤال ها باشیم...

برای درک بهتر این امید و آرامش، بیایید نگاهی به آیات نورانی قرآن بیندازیم که چهره ای متفاوت از شهادت و زندگی پس از آن را به ما نشان می دهد.



در آیات ۱۶۹ و ۱۷۰ سوره آل عمران، خداوند تصویری متفاوت و امیدبخش از شهادت ترسیم می‌کند. برخلاف نگاه ظاهری که شهید را مرده می‌پندارد، قرآن تأکید می‌کند که شهدا زنده‌اند؛ حیاتی برتر و واقعی دارند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند و در شادی و سرور به سر می‌برند. این حیات، نه فقط یک زندگی معمولی، بلکه حیاتی سرشار از رضایت، آرامش و بهره‌مندی از فضل الهی است.

شهدا نه تنها خود در مقام قرب و نعمت الهی قرار دارند، بلکه به دیگران نیز پیام امید و بشارت می‌دهند:

«وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» آن‌ها برای کسانی که هنوز به جمعشان نپیوسته‌اند، آرزوی خیر می‌کنند و به آن‌ها وعده می‌دهند که در این مسیر، نه ترسی هست و نه اندوهی.

این نگاه قرآن، تنها یک تصویر زیبا نیست، بلکه پیام روشنی است که شهدا با جان خود آن را به ما آموختند.

این نگاه قرآنی، نقطه مقابل یأس و ناامیدی است. شهدا با انتخاب راه خدا، به بالاترین درجه حیات و آرامش رسیده‌اند و با زبان حال، به ما می‌گویند: اگر دشمنان صف کشیدند، اگر سختی هست، اگر از حرص دندان به هم فشار می‌دهند، ما وارثان نوری هستیم که هرگز خاموش نمی‌شود: «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورُهُ» (سوره صف، آیه ۸)

امام حسین علیه السلام با خون خود به ما آموخت که حتی در محاصره هم باید امیدوار بود. امروز هم شهدا از ما می‌خواهند که بیایستیم و نترسیم و مأیوس نشویم. هر که در این راه بماند، نه خوفی دارد و نه حزن؛ راه ما، راه همیشه‌زنده‌هاست، نه مرده‌ها.

در واقع، پیام شهدا و عاشورا این است که بن‌بست و شکست برای اهل ایمان معنا ندارد. حتی اگر در ظاهر همه چیز از دست برود، حقیقت و امید زنده می‌ماند. آن‌ها با استقامت و پایداری، راه را برای ما باز کردند تا بدانیم در مسیر خدا، هیچ‌گاه نباید تسلیم یأس شد و همیشه باید منتظر گشایش و بشارت الهی بود.

این پیام ملموس‌تر می‌شود اگر نگاهی به زندگی و لحظه‌های آخر یکی از نمادهای این امید و آرامش، شهید محسن حججی، ببندازیم.

شخصیت‌های متناسب با موضوع



وقتی نگاه می‌کنیم به داستان شهید حججی؛ آرامش و لبخند در اسارت و لحظه شهادت، می‌بینیم جوانی از دیار نجف‌آباد که در دفاع از حرم اهل بیت؛ به اسارت دشمن درآمد.

لحظه‌ای که دشمن او را به شهادت رساند، تصویری از او منتشر شد که با چهره‌ای آرام و نگاهی مطمئن، به دوربین می‌نگریست؛ گویی هیچ ترسی در دل ندارد و به چیزی فراتر از این دنیا چشم دوخته است. این آرامش و لبخند در لحظه اسارت و شهادت، به نماد امید و ایمان تبدیل شد و به همه نشان داد که شهدا حتی در آخرین لحظات، به وعده الهی دل بسته‌اند و با امید، راهشان را تا پایان ادامه می‌دهند.

اما این تنها یک نمونه نیست؛ زندگی و شهادت بزرگان دیگری همچون آیت الله رئیسی نیز به ما درس‌های عمیق امید و استقامت می‌دهد؛ او نشان داد که حتی در بالاترین سطوح مسئولیت و در سخت‌ترین شرایط، می‌توان با ایمان، آرامش و امید، راه را ادامه داد و عاشقانه در مسیر حق باقی ماند و خستگی را نشناخت.

اما امید و آرامش فقط در لحظه شهادت نیست، بلکه در دل سخت‌ترین شرایط جبهه‌ها و عملیات‌ها نیز جاری بود؛ جایی که رزمندگان با شوخی و خنده، روحیه خود را حفظ می‌کردند.

در دل سخت‌ترین لحظات جبهه‌ها و عملیات‌های جنگ، رزمندگان ما با وجود همه فشارها و خطرات، لحظاتی از شادی و شوخی را کنار هم تجربه می‌کردند. این شوخی‌ها و خنده‌های کوتاه، نه تنها روحیه را تقویت می‌کرد، بلکه آرامشی عمیق در دل آن‌ها ایجاد می‌کرد که به آن‌ها قدرت می‌داد در برابر سختی‌ها استقامت کنند. گاهی در شب‌های قبل از عملیات، رزمنده‌ها با شوخی‌های ساده و بامزه، فضای سنگین جنگ را به لحظاتی پر از نشاط و امید تبدیل می‌کردند؛ شوخی‌هایی که نشان می‌داد حتی در دل جنگ، زندگی و امید جریان دارد.

آشپزهای جبهه گاهی وسط جمع می‌گفتند: «بچه‌ها، امشب هر کی شهید شد، فردا صبح بیدار سر سفره صبحانه!» گاهی هم شوخی‌های جبهه رنگ و بوی طنز خاص خودش را داشت؛

یکی از رزمنده‌ها با جدیت می‌گفت: «من امشب نمی‌تونم شهید بشم، چون هنوز بدهی‌هام رو ندادم!»

این حال و هوای رزمندگان، داستان میثم تمار و حبیب بن مظاهر رو شنیدید؛ گفتگوی پر از امید و پیشگویی شهادت؛ میثم تمار و حبیب بن مظاهر هر دو از یاران خاص امیرالمؤمنین (علیه السلام) به شمار می‌رفتند. داستانی مشهور و پرمعنا نقل شده است که روزی این دو بزرگوار در حالی که هر کدام بر اسب خود سوار بودند، در محله‌ای از بنی اسد به هم رسیدند. آن قدر نزدیک به هم بودند که گردن‌های اسبان‌شان به هم برخورد کرد و به گفتگویی صمیمانه و عمیق پرداختند.

حبیب بن مظاهر در این دیدار چنین گفت: «فَكَأَنِّي بِشَيْخٍ أَضْلَعَ صَخْمَ الْبَطْنِ بِيَعِ الْبَطِيخِ عِنْدَ الرِّزْقِ، قَدْ ضَلَبَ فِي حُبِّ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّهِ، وَ يُقَرُّ بَطْنُهُ عَلَى الْخَشَةِ». یعنی: «گویا من دارم می‌بینم پیرمردی را که شکمش برآمده و جلوی سرش مو ندارد، و در کنار دار الرزق شغلش خربزه فروشی است؛ که او را به جرم محبت اهل بیت پیامبرش بر دار کوبیده‌اند، و روی چوبه دار شکمش شکافته شده است».

میثم تمار در پاسخ گفت:

«يَا أَيُّهَا الْعَرِيفُ رَجُلًا أَحْمَرُ لَهُ صَغِيرَتَانِ، يَخْرُجُ لِنُصْرَةِ ابْنِ بَنْتِ نَبِيِّهِ فَيَقْتُلُ وَيَجَالُ بِرَأْسِهِ فِي الْكُوفَةِ.»

یعنی: «و من می شناسم مردی سرخ چهره را که گیسوانش از دو سو بافته شده است؛ او برای یاری پسر دختر پیامبرش خروج می کند و کشته می شود، و سرش را در محلات و کوی و برزن کوفه برای تماشای مردم می گردانند.»

پس از این گفت و گو، آن ها از هم جدا شدند و اهل مجلس که شاهد این گفتگو بودند، گفتند: «ما دروغ گوتر از این دو مرد کسی را ندیده ایم!» اما این سخنان، پیشگویی های امیرالمومنین (علیه السلام) بود که بعدها به حقیقت پیوست؛ میثم تمار پیش از واقعه کربلا به دست ابن زیاد به شهادت رسید و حبیب بن مظاهر در روز عاشورا به شهادت رسید.

این داستان، نمونه ای از ایمان عمیق، آرامش و حتی شوخی و کنایه در دل سخت ترین پیشامدهاست؛ آن ها با این روحیه، دل هایشان را سبک می کردند و به وعده های الهی امیدوار بودند. این همان حال و هوایی است که در شب عاشورا و در میان اصحاب امام حسین (علیه السلام) جریان داشت؛ امید و آرامشی که حتی در دل سخت ترین شرایط، راه را روشن نگه می داشت.

از طرفی دیگر، آرامش شب عاشورای اصحاب امام حسین (علیه السلام)؛ شبی که در آن با وجود محاصره و تهدید دشمن، اصحاب امام با آرامش و نشاط خاصی کنار هم بودند. در برخی نقل ها آمده که اصحاب امام حسین (علیه السلام) در شب عاشورا، دور هم جمع بودند، شوخی می کردند، می خندیدند و با هم مزاح می کردند تا فضای خیمه ها را از غم و اضطراب دور کنند.

مثلاً

برخی اصحاب با هم شوخی می کردند و می گفتند: «فردا که به بهشت رسیدیم، هر کس زودتر رسید، برای بقیه جا نگه دارد!»

در روایتی آمده که زهیر بن قین و حبیب بن مظاهر با هم شوخی می کردند و حبیب می گفت: «زهیر! فردا که به بهشت رفتیم، من زودتر از تو وارد می شوم!» زهیر هم با لبخند پاسخ داد: «نه، من زودتر می روم تا برایت جا بگیرم!»

این شوخی ها و لبخندها، نشانه عمق ایمان و آرامش اصحاب بود؛ آن ها با نشاط و امید، دل هایشان را برای فردای پرآشوب آماده می کردند، چون می دانستند راهشان حق است و شهادت، پیروزی نهایی است.

پس همان طور که رزمندگان ما در شب های عملیات با شوخی و خنده، روحیه خود را حفظ می کردند، اصحاب امام حسین (علیه السلام) نیز در شب عاشورا با آرامش و نشاط، اضطراب را از دل هم دور می کردند. این دو حال، نشان می دهد که در دل سخت ترین شرایط هم می توان امید و آرامش داشت و با دل پر از ایمان، مسیر را ادامه داد.

گریز روضه



ای دل، امشب شب دهم است؛ شبی که آسمان کربلا غرق در خون و اشک است، اما هنوز صدای آرام و مطمئن عشق در دل‌ها می‌پیچد. در این شب، وقتی نگاه می‌کنیم به اصحاب امام حسین (علیه السلام)، می‌بینیم که چگونه با آرامشی عجیب، در محاصره دشمنان، لبخند بر لب داشتند و دل به خدا سپردند.

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اَبَاعَبْدِاللّٰهِ وَ عَلَی الْاَزْوَاجِ الَّتِی خَلَّتْ بِفَنَائِكَ.....

نکات تکمیلی شما



.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

شب یازدهم

«قیام امروز، پیشوایی فردا»

﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ
اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ
أَيِّمَةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾

«و می خواهیم بر کسانی که در زمین
ضعیف شده اند، منت نهیم و آنان را
پیشوایان و وارثان قرار دهیم»

قصص ۵

طلیحه (مناجات با امام زمان عجل الله تعالی فرجه)

ای بهترین حبیب کجایی ظهور کن
پیچیده بوی سیب کجایی ظهور کن
این شمر نانجیب کجایی ظهور کن
بر گونه ترب کجایی ظهور کن
زلفی که شد خضیب کجایی ظهور کن
این عترت غریب کجایی ظهور کن
این قصه ی عجیب کجایی ظهور کن

تنهاترین غریب کجایی ظهور کن
آقا بیا دوباره حوالی قتلگاه
بر سینه ی حسین نشسته هنوز هم
داری شبیه فاطمه ها گریه می کنی
بر روی دست باد سوار است روی نی
با جامه های پاره به بازار می رود
این خاک، کربلاست و هر روز جاری است

مقدمه چینی (ایجاد انگیزه)



یک حرکت کوچک، یک تصمیم ساده، می تواند مسیر زندگی و حتی تاریخ را تغییر دهد.
گاهی یک قدم کوچک، جرقه ای می شود برای شروع یک انقلاب بزرگ در دل ها و فکرها.
اما چرا بعضی از این حرکت ها، سال ها بعد هم زنده و الهام بخش باقی می ماندند؟
چرا بعضی اتفاقات فقط یک خاطره ساده نیستند، بلکه چراغ راهی برای همه ما
می شوند؟ شاید پاسخ این باشد که آن حرکت ها فقط برای آن لحظه نبودند؛ بلکه برای
همه زمان ها و نسل ها بودند.
برای ما که امروز زندگی می کنیم، برای تو که اینجا نشسته ای و به دنبال معنا و هدفی
هستی.

امشب می خواهیم درباره حرکتی صحبت کنیم که نه فقط یک اتفاق، بلکه شروع راهی
است برای رسیدن به پیروزی نهایی.
راهی که هر کدام از ما می توانیم در آن نقش داشته باشیم، اگر بخواهیم و آماده
باشیم.

بسط محتوا با محوریت آیه



خداوند در قرآن کریم وعده ای بزرگ به ما داده است:
«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»
این یعنی کسانی که امروز ضعیف و مظلوم اند، فردا می توانند رهبران و وارثان واقعی
زمین باشند. اما چطور ممکن است؟
چطور کسی که امروز در سختی است، می تواند فردا پیشوا و وارث باشد؟

پاسخ این است که خداوند مسیر رشد، تلاش و تغییر را برای این افراد باز می‌کند. ضعف و ناتوانی پایان راه نیست؛ بلکه شروع یک مرحله جدید است. کسانی که امروز در زمین ضعیف شده‌اند، اگر ایمان داشته باشند و پای راه حق بایستند، می‌توانند نه تنها خودشان، بلکه دیگران را هم هدایت کنند. این وعده همان امیدی است که در دل قیام امام حسین (ع) زنده شد؛ امیدی به اینکه ظلم و ستم پایدار نیست و روزی عدالت و حقیقت پیروز خواهند شد. پس این آیه چراغ راه ماست؛ چراغی که نشان می‌دهد حتی اگر امروز احساس ضعف کنیم، می‌توانیم روزی وارثان زمین و پیشوایان حق باشیم.

شخصیت‌های متناسب با موضوع



حضرت یعقوب (ع)، پدری که با صبر و امید سختی جدایی را تاب آورد وقتی کسی که دوستش داری ناگهان از کنارت می‌رود، تحملش سخت است. حضرت یعقوب (ع) سال‌ها جدایی از فرزندش، حضرت یوسف (ع)، را با صبر و امید به خدا تحمل کرد.

او می‌دانست این جدایی پایان راه نیست و روزی دیدار دوباره خواهد آمد.

قرآن می‌گوید:

«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا... وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»

حضرت یوسف (ع) که سال‌ها در زندان بود، با ایمان و استقامت به جایگاه پیشوایی و وارثی رسید که خداوند وعده داده بود.

حضرت یعقوب (ع) با صبر و امید این مسیر را باور داشت و هرگز ناامید نشد.

او به ما می‌آموزد که حتی وقتی همه چیز علیه ماست، اگر صبر کنیم و پای راه حق بایستیم، پیروزی و وارثی نصیبمان خواهد شد.

تا حالا شده فکر کنی چطور در شرایطی که همه چیز علیه یک گروه است، می‌توان نقشه‌ای دقیق و مخفیانه کشید و دشمن را غافلگیر کرد؟

قرارگاه سری نصرت، یکی از مهم‌ترین قرارگاه‌های سپاه پاسداران در جنگ ایران و عراق بود که با فرماندهی سردار علی هاشمی شکل گرفت و نقش کلیدی در عملیات‌های بزرگ مانند خیبر و بدر داشت.

این قرارگاه در منطقه هورالعظیم فعالیت می‌کرد؛ جایی که شرایط جنگی بسیار سخت و پیچیده بود و دشمن با تمام توانش در مقابل نیروهای ایران ایستاده بود.

سردار هاشمی با شناخت دقیق از منطقه و استفاده از نیروهای بومی و عرب‌های ایرانی، توانست نیرویی مخفی و کارآمد بسازد که عملیات‌های شناسایی و اطلاعاتی را به بهترین شکل انجام دهد.

یکی از ویژگی‌های مهم قرارگاه نصرت، توانایی انجام عملیات‌های شناسایی در عمق خاک دشمن بود؛ از جمله شهرهای نجف، کربلا و سامرا که اطلاعات حیاتی برای عملیات‌های بزرگ فراهم می‌کرد.

این کار نیازمند تدبیر، شجاعت و استقامت بود، چرا که کوچک‌ترین اشتباه می‌توانست باعث لو رفتن عملیات و شکست شود.

قرارگاه نصرت با رهبری سردار هاشمی، توانست شیوه‌ای نوین برای مقابله با ارتش عراق ارائه دهد و نیروهای اطلاعات و عملیات آن، تسلط کاملی بر منطقه هورالعظیم پیدا کردند.

این تسلط اطلاعاتی، کلید موفقیت در عملیات خیبر و بدر بود که نقطه عطفی در جنگ محسوب می‌شوند.

سردار علی هاشمی با استقامت و تدبیر خود، نشان داد که حتی در شرایط سخت و پیچیده، اگر ایمان و تلاش باشد، می‌توان به پیشوایی و وارثی رسید که خداوند وعده داده است: (قصص/۵)

یعنی کسانی که امروز ضعیف‌اند، با استقامت و ایمان، فردا پیشوا و وارث زمین خواهند شد.

در تاریخ جنگ‌ها و مقاومت‌ها، کمتر کسی را می‌توان یافت که همچون سردار حاج قاسم سلیمانی، با شجاعت، تدبیر و ایمان، نماد واقعی مقاومت و پیشوایی باشد.

او از یک روستای کوچک در کرمان آغاز کرد، اما با اراده‌ای آهنین و قلبی پر از عشق به وطن و دین، به یکی از بزرگ‌ترین فرماندهان تاریخ تبدیل شد.

سردار سلیمانی در دوران دفاع مقدس، در سخت‌ترین عملیات‌ها فرماندهی کرد و بارها در میدان نبرد مجروح شد، اما هیچ‌گاه از مسیر حق و مقاومت دست نکشید.

پس از جنگ، او فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران شد و با رهبری هوشمندانه‌اش، محور مقاومت را در منطقه شکل داد و توانست گروه‌های تروریستی مانند داعش را در هم بشکند.

حضور او در میدان‌های نبرد، نه تنها نیروهای مقاومت را متحد کرد، بلکه امید را به دل میلیون‌ها انسان مظلوم در منطقه بازگرداند.

سردار سلیمانی با تدبیر و استقامت، نشان داد که حتی در سخت‌ترین شرایط می‌توان پیروز شد، اگر ایمان و اراده باشد.

آیه‌ای که راه و هدف او را به زیبایی ترسیم می‌کند، این است:

«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»

و حالا، اگر بخواهیم این مسیر را به ریشه‌های تاریخی‌اش پیوند بزنیم، نمی‌توانیم از حادثه کربلا و قیام امام حسین (علیه السلام) بگذریم.

امام حسین (علیه السلام) در روزگار خود، در شرایطی قرار گرفت که همه چیز علیه او بود؛ یاران کم، دشمنان بسیار، تشنگی و محاصره، و حتی تهدید جان خانواده‌اش.

اما او هرگز تسلیم نشد و با استقامت و ایمان به وعده‌های الهی، تا آخرین لحظه بر راه حق ایستاد و درس آزادی و مقاومت را برای همیشه به ما آموخت. قیام امام حسین (علیه السلام) همان قیامی است که به پیروزی نهایی منجر می‌شود؛ قیامی که پیامش هنوز زنده است و راهنمای همه کسانی است که در برابر ظلم می‌ایستند. شام غریبان، شبی است که یاد و نام این بزرگ مرد تاریخ را زنده نگه می‌دارد؛ شبی برای اشک ریختن بر مظلومیتی که هرگز فراموش نمی‌شود و برای تجدید عهد با راه او.

گریز روضه



امشب، در این شب یازدهم، با یاد امام حسین (علیه السلام) و شهدای کربلا، بیایید با استقامت و ایمان، راه مقاومت و قیام را ادامه دهیم؛ راهی که سردارانی چون حاج قاسم سلیمانی آن را با جان خود تضمین کردند. بیایید با دل‌هایی پر از امید و اراده، در مسیر حق بایستیم و بدانیم که پیروزی نهایی، حتمی است.

اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا اَبَاعَبْدِاللّٰهِ وَ عَلَی الْاَزْوَاجِ اَلَّتِی حَلَّتْ بِفِنَائِکَ.....

نکات تکمیلی شما



.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

"وظیفه ما چیست؟"

﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِّنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِّبَاطِ الْخَيْلِ يَرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ﴾

«وهر چه در توان دارید از نیرو و اسب‌های آماده (برای جنگ) فراهم کنید تا دشمن خدا و دشمن خودتان و دیگران را که شما نمی‌شناسید، بترسانید.»

طلیعه (مناجات با امام زمان عجل الله تعالی فرجه)

طوبی لمن که روز و شبش با شما گذشت	شکر خدا که سال مرا مادرت خرید
امسال من به خدمت خیرالنسا گذشت	با یک نگاه حال مرا رو به راه کن
شب ها بدون گریه و حال بکا گذشت	دور از توام به خاطر بد کردنم به تو
حل می شود تمامی این قصه با گذشت	برگرد ای بضاعت مزجات شهر عشق
آب از سر گدای سر کوچه ها گذشت	یک اربعین تمام نفس های تنگ من
در حسرت زیارت کربلا گذشت	هر روز گریه می کنی از روضه تنی
کز زیر سم مرکب آن اشقیا گذشت	باید دوباره جار کنم در تمام شهر
امسال هم بدون ظهور شما گذشت	

مقدمه چینی (ایجاد انگیزه)



تصور کن یک روز صبح از خواب بیدار می شوی و می بینی اطرافت پر از خطر و تهدید است. اما این فقط یک تصور یا سناریوی خیالی نیست؛ این واقعیت امروز ماست. شاید فکر کنی جنگ یعنی فقط تانک و تفنگ و میدان نبرد، اما سال هاست که دشمن، بی سروصدا و آرام، وارد خانه ها و ذهن های ما شده است؛ دشمنی که هدفش فقط خاک و سرزمین نیست، بلکه آمده تا ایمان، فرهنگ، هویت و آرمان هایی را که به آن ها باور داریم، از بین ببرد.

این تهدیدها را نباید دست کم گرفت. رهبر انقلاب از سال ۸۱ بارها هشدار داده اند که دشمنان اسلام، نقشه اندلسی کردن ایران را در سر دارند؛ همان بلایی که روزی سر سرزمین اندلس آمد. اندلس روزگاری اوج تمدن و فرهنگ اسلامی بود، اما وقتی مردمش غفلت کردند و دشمن آرام آرام فرهنگ و هویت شان را گرفت، همه چیزشان را از دست دادند.

امروز هم دشمن با تهاجم فرهنگی، شبیخون فرهنگی و ناتوی فرهنگی، سعی دارد ذهن و دل جوانان ما را تسخیر کند؛ با رسانه، فضای مجازی، شبهه افکنی، تغییر سبک زندگی و حتی تحریف تاریخ و ارزش ها.

اینجاست که باید از خودمان پرسیم:

تو در این میدان چه کاره ای؟ آیا فقط تماشا می کنی؟ یا آمده ای که از آنچه دوست داری دفاع کنی؟

آیا می دانی هر کدام از ما، حتی تو، یک وظیفه بزرگ داریم؟

وظیفه ای که اگر انجامش ندهیم، شاید همان سرنوشت اندلس در انتظار ما باشد و همه آنچه دوست داریم، از دست برود.

شاید فکر کنی این وظیفه فقط برای قهرمان‌ها و بزرگان است، اما اشتباه می‌کنی! هر کسی به اندازه توانش مسئول است؛ حتی کوچک‌ترین تلاش‌ها می‌تواند تغییر بزرگی ایجاد کند.

تا حالا به مورچه‌ها دقت کردی؟ این موجودات کوچک، در تابستان سخت کار می‌کنند، دانه جمع می‌کنند، لانه می‌سازند و برای زمستان آماده می‌شوند. هیچ وقت نمی‌گویند "ما که ضعیفیم، ولش کن!"

مورچه‌ها به ما یاد می‌دهند که حتی اگر کوچکیم یا امکاناتمان کم است، با تلاش و برنامه‌ریزی می‌توانیم قوی شویم و از پس مشکلات بر بیاییم.

بسط محتوا با محوریت آیه

قرآن کریم به ما می‌گوید:

«وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِّن قُوَّةٍ...»

یعنی هر آنچه در توان داری آماده کن؛ قدرت جسمی، علم، ایمان و اراده‌ات را تقویت کن. این آمادگی فقط برای جنگ نظامی نیست، بلکه برای دفاع از حق و حقیقت در زندگی، در مدرسه، در خانواده و در جامعه است.

امشب می‌خواهیم درباره این سؤال مهم صحبت کنیم:
وظیفه ما چیست؟

وظیفه‌ای که هر روز و هر لحظه ما را به حرکت و تلاش دعوت می‌کند. وظیفه‌ای که اگر آن را جدی نگیریم، ممکن است فرصت‌ها را از دست بدهیم و آرمان‌هایمان رنگ ببازد؛ و آن وقت، شاید دیر شده باشد...

چرا باید قوی باشیم؟

خداوند در این آیه، ما را به آمادگی همه‌جانبه دعوت می‌کند. قدرت واقعی فقط در اسلحه و تجهیزات نظامی نیست؛ بلکه مجموعه‌ای از توانایی‌هاست که باید در همه عرصه‌های زندگی ساخته و تقویت شود.

امروز دشمن در همه میدان‌ها فعال است:

- ❖ در رسانه، با جنگ نرم و تبلیغات گسترده
 - ❖ در دانش و فناوری، با تسلط بر اطلاعات و تکنولوژی
 - ❖ در اقتصاد، با تحریم‌ها و فشارهای مالی
 - ❖ در خانواده، با تضعیف بنیان‌های اخلاقی و تربیتی
 - ❖ در سیاست، با نفوذ و تحریف حقایق
 - ❖ در فرهنگ، با تغییر ارزش‌ها و هویت‌ها
- اگر ما در هیچ‌کدام از این عرصه‌ها آماده نباشیم، دشمن به راحتی نفوذ خواهد کرد و ارزش‌هایمان را از بین خواهد برد.

رهبر انقلاب می‌فرماید:

«اروپایی‌ها وقتی خواستند اندلس را از مسلمانان پس بگیرند، اقدامی بلندمدت کردند... جوانان را به سمت شهوات و فساد کشاندند... امروز هم آن‌ها همین کار را می‌کنند.» (۱۳۸۱)

مصادیق قدرت و آمادگی

پس «قوه» یعنی:

داشتن رسانه‌های قوی، صادق و اثرگذار

توان تحلیل و فهم درست مسائل

روشنگری و تبیین دقیق حقایق دینی، اجتماعی و سیاسی

تربیت نسلی آگاه، مقاوم و متعهد

تاریخ به ما نشان داده که قدرت واقعی فقط در میدان نبرد نظامی نیست.

نهضت عاشورا نمونه‌ای بی‌نظیر است که با کلام و ایستادگی، پیام خود را به نسل‌ها منتقل کرد.

اگر زینب کبری (ع) نبود، اگر امام سجاد (ع) در شام سکوت می‌کرد، خون امام حسین (ع) در کربلا می‌ماند و پیام عاشورا فراموش می‌شد. سه ضلع وظیفه ما

پس وظیفه ما سه ضلع مهم دارد:

□ جهاد تبیین: روشنگری و بیان حقایق به زبان ساده و اثرگذار

□ جهاد آمادگی: تقویت خود در همه زمینه‌ها؛ علمی، فرهنگی، اخلاقی و حتی نظامی

□ جهاد استقامت: پایداری و مقاومت در برابر سختی‌ها و فشارها

عاشورا به ما گفت: «فقط تماشا نکن، آماده شو!»

حالا بیا باید ببینیم ما نوجوان‌ها در هر یک از این سه عرصه چه کارهایی می‌توانیم انجام دهیم:

□ جهاد تبیین

مطالعه و فهم عمیق معارف دینی و مسائل روز

پاسخ به شبهات دوستان و اطرافیان با زبان ساده

فعالیت مثبت و مؤثر در فضای مجازی، انتشار مطالب درست و مقابله با شایعات

شرکت در جلسات روشنگری و پرسش و پاسخ

□ جهاد آمادگی

تلاش جدی در درس و تحصیل، تقویت مهارت‌های فردی و اجتماعی

ورزش و تقویت جسم، چون بدنی سالم برای مجاهدت لازم است

یادگیری مهارت‌های جدید (رسانه، کامپیوتر، زبان خارجی و...)

حضور فعال در گروه‌های فرهنگی، هنری و علمی

□ جهاد استقامت

صبر و پایداری در برابر مشکلات و شکست‌ها

ایستادگی در برابر فشار همسالان برای گناه یا بی‌تفاوتی

حفظ امید و نشاط حتی در شرایط سخت

حمایت از دوستان و خانواده در مسیر حق



برای اینکه بهتر بفهمیم قدرت و آمادگی یعنی چه، بیایید به چند نمونه تاریخی نگاه کنیم: پیامبر اکرم ﷺ وقتی شنید در یمن اسلحه جدیدی ساخته شده، کسی را برای تهیه آن فرستاد؛ یعنی حتی پیامبر هم به روز بودن و آمادگی را جدی می‌گرفت.

مقاومت مردم بوشهر: با رهبری علما و دلاورانی مثل رئیسعلی دلواری، مقابل انگلیسی‌ها ایستادند و با دست خالی اما با ایمان و غیرت، دشمن را عقب راندند.

شهید علم‌الهدی و عملیات هوپزه: با جمعی از نوجوانان و جوانان، مقابل ده‌ها تانک دشمن ایستادند، ۲۰ کیلومتر خاک ایران را آزاد کردند و حتی وقتی محاصره شدند، تا آخرین نفس جنگیدند و تسلیم نشدند. پیکر شهید علم‌الهدی بعد از ۱۶ ماه، فقط با همان قرآنی که همیشه همراهش بود، شناسایی شد.

امروزه متاسفانه سلبریتی پرستی و ترویج موسیقی بیداد می‌کند. دیگه در محافل مذهبی هم زیاد داره میشه... حواسمون باشه... بله از قدیم هم بود اما آنقدر گسترده نبود و معمولاً بنی‌امیه و بنی‌مروان که برای انحراف جامعه قدم برمی‌داشتند بیرون از شهر راه می‌انداختند امروز کجاست در شهر، در کلاس، در خانه، در تلویزیون، در گوشی، در رختخواب....

امروزه سلبریتی پرستی و ترویج موسیقی بیداد می‌کند. این ابزارها همیشه از مؤثرترین راه‌های دشمن برای انحراف جامعه بوده‌اند.

در زمان امام باقر (ع)، خواننده مشهور عراق را به مدینه آوردند و مردم تا خارج شهر برای استقبال رفتند... اما نتیجه چه شد؟ دشمن کوتاه نمی‌آید و با ابزارهای متنوع، ذهن‌ها را هدف قرار داده است. اگر غفلت کنیم، به عقب بازمی‌گردیم.

پس باید هوشیار باشیم و راه ائمه را ادامه دهیم: تبیین، روشنگری، دعا و نیایش، حتی در سخت‌ترین شرایط.

اما بیایید کمی به عقب برگردیم؛ به روزهای بعد از عاشورا. رهبر انقلاب می‌فرماید: «بعد از عاشورا، آن‌چنان رعب و وحشتی حاکم شد که فقط سه نفر اطراف امام سجاد (ع) باقی ماندند.» یعنی جامعه شیعه به شدت در اقلیت و غربت قرار گرفت.

اما این پایان راه نبود.

امام سجاد (ع) و بعد از ایشان امام باقر (ع)، با روشنگری، تبیین، دعا و نیایش، چراغ هدایت را خاموش نکردند.

آن‌ها مسیر خطابه و وعظ را عوض کردند، حتی در اوج اختناق و وحشت، سکوت نکردند و با صبر و استقامت، جامعه شیعه را از نو ساختند. امام باقر (ع) در همین فضای خفقان و ظلم، مقابل افراد خبیث، ظالم و هتاک بنی‌امیه و بنی‌مروان ایستادند و توانستند توسعه تفکری و افزودن بر افراد را انجام دهند.

رهبر انقلاب امروز فرمودند:

«امام باقر (ع) تنها امامی هستند که دو بار به شام به اسارت برده شدند». با این همه سختی و غربت، امام باقر (ع) نه تنها عقب نشینی نکرد، بلکه پایه های علمی و فکری شیعه را چنان محکم کرد که امروز ما وارث آن مجاهدت ها هستیم. اینجاست که می فهمیم حتی اگر دشمن همه جبهه ها را علیه ما باز کند، اگر ما در جهاد تبیین، جهاد آمادگی و جهاد استقامت کوتاه نیاییم، آینده روشن خواهد بود.

گریز روضه



و امشب...

شبى است که دل هایمان به یاد غربت و مظلومیت امام سجاد (ع) می سوزد؛ همان امامی که بعد از آن همه مصیبت، در خرابه های شام، با زنجیر بر دست و گردن، شب ها را با گریه و دعا به صبح می رساند... امامی که با وجود زخم ها و رنج ها، چراغ هدایت را خاموش نکرد و نسل شیعه را زنده نگه داشت. امشب، دل هایمان را به روضه امام سجاد (ع) گره بزنیم و از خدا بخواهیم ما را جزو یاران آماده و استوار امام زمان (عج) قرار دهد.

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اَبَاعَبْدِ اللّٰهِ وَ عَلَی الْاَزْوَاجِ الَّتِی خَلَّتْ بِفِئَاكٍ....

نکات تکمیلی شما



.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

با فرا رسیدن ماه محرم و موسم احیای فرهنگ ایثار و آزادی، بار دیگر فرصت مغتنمی فراهم آمده تا نوجوانان کشورمان، پیام عاشورا را در متن زندگی خود جاری سازند. بنیاد ملی نوجوان، با بهره‌گیری از ظرفیت شبکه مدارس، راهبران جهادی، تشکل‌های دخترانه و پسرانه، سرشبکه‌های فعال و مدیران قرارگاه‌های نوجوانی سراسر کشور، امسال نیز هم‌گام با طرح ملی «زندگی با آیه‌ها» و با محوریت شعار محرم (ایران حسین علیه السلام تا ابد پیروز است)، مجموعه‌ای نوآورانه و هدفمند را برای هیئت‌های نوجوانانه تدارک دیده است.

